

«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از دشمنان بیرون کنیم که دعوائی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوائی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



مروری بر
زندگی مرحوم
حضرت آیت الله
سید محمد عزالدین
حسینی زنجان



سال سی و چهارم ♦ شماره ۳ ♦ شماره مسلسل ۱۴۵۰ ♦ نیمه دوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان



ماهیت تکفیری‌ها

آیت الله سید محمد هاشمی شاهرودی

صفحه ۱۲



نامه سرگشاده دبیر کل مجمع
تقريب به قضاوی:

به گذشته وحدت گرا و تقریبی خود بر گردید

صفحه ۱۱



واکنش علمای الازهر به نبش قبر «حجر بن عدی»

صفحه ۱۰



شهادت شیخ الشیوخ شامات

استاد سید هادی خسرو شاهی

صفحه ۶



در گفت و گو با حجت الاسلام و
المسلمین مبلتی بررسی شد:

قابلیت‌ها و چالش‌های اقلیت‌های مسلمان دنیا

صفحه ۵



سخنگوی جنبش ۱۴ فوریه بحرین: انقلابیون بحرین تا سرنگونی آل خلیفه به مبارزه ادامه می‌دهند

صفحه ۷

آیت الله مقتدایی:

طلاب از روش علامه طباطبایی و شیخ انصاری در علم و تهذیب الگو بگیرند

همواره الگوهای ملموس داشته باشند و قطعا علامه طباطبایی و شیخ انصاری از بهترین نمونه‌ها در این عرصه هستند؛ زمانی که صاحب جواهر، آخرین لحظات زندگی را پشت سر می‌گذاشت در جمع علمای بزرگ نجف گفت که برای مرجعیت پس از خود، شیخ انصاری را به خدمتشان



بیاورند و در لحظه‌ای که شیخ به بالین صاحب جواهر رسید ایشان دست شیخ انصاری رو روی قلبشان گذاشت و گفت که مرجع کل جهان تشیع پس از من، شیخ انصاری است ولی نکته بسیار مهمی که پس از مرگ صاحب جواهر به وجود آمد، تواضع و شایسته‌سالاری و تقوای کم‌نظیر شیخ انصاری بود؛ زیرا ایشان پس از مرگ فرمودند که سیدالعلماء که هم اکنون در مازندران به سر می‌برد در روزگاری در کربلا از نظر علمی از من جلوتر بود.

آیت الله مقتدایی افزود: پس از آن، نامه‌ای از سوی شیخ انصاری به مازندران ارسال شد که در آن از سیدالعلماء خواسته شده بود که به نجف آمده و زعامت حوزه‌های علمیه و مرجعیت جهان تشیع را به عهده بگیرد که پس از چندی سیدالعلماء در پاسخ به شیخ، آورده بود که در آن روزگار، شاید اینگونه بود ولی بنده سال‌هاست که در مازندران به تبلیغ می‌پردازم و از حوزه نجف و مباحث علمی سنگین آنجا دور بوده‌ام و قطعا امروز شما (شیخ انصاری) از من اعلم‌تر هستید؛ وقتی حوزه ما چنین الگوهای نابي دارد همه ما باید از این مشی نورانی و قدسی الهام گرفته و به پیروی از آنها همت بگماریم زیرا در چنین موقعیت‌هایی است که عیار انسان‌ها در ایمان و تقوا و تواضع و اطاعت و... مشخص می‌شود.

آیت الله مقتدایی یاد آورد: حوزه‌های علمیه شیعه همواره در حال تحول در عرصه‌های مختلف هستند و این تحول باعث و رمز ماندگاری و پویایی حوزه‌ها به خصوص حوزه علمیه قم بوده است؛ زیرا بسیاری از مراکز در عصرهای مختلف مرکز نشر علوم بودند ولی به این دلیل که سعی خاصی برای ایجاد تحول در بدنه خود نداشتند یا راکد ماندند و یا دیگر اثری از آنها باقی نمانده است.

آیت الله مقتدایی تصریح کرد: وظیفه اصلی طلاب تحصیل و درس خواندن است ولی اگر این تحصیل را با نورقرآن درآمیزند و حافظ و قاری و مفسر قرآن شوند، نور علی نور خواهند بود؛ علامه طباطبایی از همین دسته علمای بزرگ حوزه بودند که تحصیل در فقه و اصول را با قرآن و تفسیر آن تکمیل کردند و در تاریخ ماندگار شدند؛ ایشان همیشه طالب علم و فضیلت و کمال بود و تا آخرین لحظه عمر، طلبگی خود را فراموش نکرد.

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم، یاد آور شد: حضرت علامه، شب و روز در حال نوشتن و تعلیم و تعلم و عبادت بود و در روزگاری که در بیت شریف ایشان به خدمتشان می‌رسیدیم با کمال خضوع و خشوع و بردباری پذیرای تشنگان علم و معرفت و فضیلت بودند؛ ایشان مجسمه تقوا و تواضع و علم بودند؛ تمام صفات عالیه را در خود جمع کرده بودند و به قدری ساده زیست بودند که اگر کسی ایشان را نمی‌شناخت به هیچ عنوان در عرصه اجتماعی باور نمی‌کرد که ایشان صاحب المیزان و چنان فیلسوف دهری باشد.

وی گفت: طلاب باید در مسیر طلبگی خود

آیت الله مقتدایی بر لزوم الگوگیری طلاب از شخصیت‌های برجسته حوزه از جمله شیخ انصاری و علامه طباطبایی که همزمان با کسب علم، عبودیت، خضوع، خشوع، ادب و تقوا را با خود همراه کرده بودند، تأکید کرد.

آیت الله مرتضی مقتدایی، دبیر دوم شورای عالی حوزه‌های علمیه، در دیدار جمعی از طلاب حوزه علمیه تهران در دارالقرآن علامه طباطبایی، با بیان ویژگی‌های طلبگی و امتیازات آن، اظهار کرد: زندگی علمای اسلام و حوزه پویای شیعه نشان‌دهنده مسیر بسیار روشن و نورانی است که در عرصه طلبگی وجود دارد.

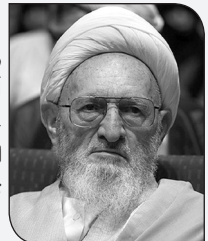
وی افزود: حوزه علمیه تشیع بیش از هزار سال از زمان شیخ طوسی در حال نورافشانی در جامعه اسلامی و چراغ راه مردم و بندگان خداست و در این مسیر با همین روش اصیل خود، علامه حلی‌ها، سیدبزرگ‌العلوم‌ها، صاحب جواهر و شیخ انصاری و امام راحل و آیت الله بروجردی‌ها را تقدیم اسلام کرده است.

دبیر دوم شورای عالی حوزه‌های علمیه عنوان کرد: برنامه تحصیلی در حوزه، برنامه‌ای اصیل و با ریشه است که خروجی‌های آن، بزرگان دین و مرجعیت در عصرهای مختلف بوده‌اند و به همین دلیل اگر طلبه‌ای خود را با این برنامه تطبیق دهد و با توجه به عصر و زمان حال و برنامه‌هایی که در بدنه حوزه برای ارتقای طلاب چیده می‌شود می‌تواند در زمان کمتری به جایگاه بزرگان حوزه برسد.

وی گفت: سعی می‌شود در برنامه‌ریزی جدید آموزشی در حوزه، کتب اصیل حوزوی حفظ شود ولی از روش‌های جدید نیز غافل نیستیم و هر برنامه‌ای که کامل‌تر از برنامه‌های فعلی باشد قطعا در برنامه‌ریزی‌های حوزه لحاظ خواهد شد.

تجلیل از علامه حسن زاده آملی در سومین همایش طبیب روحانی

رئیس قوه قضاییه در سومین همایش طبیب روحانی ضمن تجلیل از مقام علامه حسن زاده آملی گفت: ایشان از مفاخر روزگار و از چهره‌های برجسته جهان معاصر است که فارغ از همه تجملات و زیورآلات دنیایی و با کمال تواضع به حیات علمی پرداخته است.



آیت الله صادق آملی لاریجانی افزود: حوزه‌های علمیه سالیان سال است که از کلاس‌های درس این عالم فرزانه کسب فیض می‌کند هر چند که بنده کوچکتر از آن هستم که بخواهم مقام ایشان را توصیف کنم.

وی گفت: بنده وقتی به مجموعه آثار ایشان توجه می‌کنم، حیرت می‌کنم که غیر از عشق به خداوند در آثار ایشان چیزی یافت نمی‌شود و به واقع جای حیرت دارد که در تمام آثار ایشان توحید موج می‌زند.

رئیس قوه قضاییه با اشاره به اینکه علامه حسن زاده آملی فارغ از همه تجملات و زیورآلات دنیایی با کمال تواضع به حیات علمی ادامه داده است، اظهار داشت: آثار ایشان بدون کوچکترین تعلق دنیوی به رشته تحریر در آمده است.

آیت الله آملی لاریجانی گفت: از منظر قرآن دنیا محل زینت و مظهری از لهو و لعب است و زمانی که عالمان از این لهو و لعب دوری می‌کنند و به مظاهر دنیوی توجه نمی‌کنند به درجه اول معرفت رسیدند.

وی افزود: بسیاری از حرکات‌های ما حرکت برای گذران زندگی، کسب مال، حب دنیا و تفاخر است و حتی علومی هم که ما یاد می‌گیریم که البته یادگیری آن لازم است، دنیوی بوده و گاهی همین علوم اسباب تفاخر می‌شود.

وی با اشاره به نگاه امروز بشر درباره عقل و علم معرفت عنوان کرد: عقل امروز تبدیل به یک عقل ابزاری شده است که یکی از ویژگی‌های دنیایی مدرن همین استفاده از عقل ابزاری است که البته این برخلاف تصور قرآن از عقل است چراکه قرآن صاحبان عقل را اولوالالباب ذکر می‌کند؛ کسانی که دائما مشغول ذکر خداوند هستند.

رئیس قوه قضاییه یادآور شد: شاید این عالمان، بهره‌ای از علوم دنیایی نبرده باشند و از نظر دانشمندان جایگاهی نداشته باشند اما از نظر قرآن جایگاهی رفیع داشته و آنها عاقل هستند. وی در بخش دیگری از سخنان خود به موضوع زهد اشاره کرد و گفت: زهد، انسان را به سمت ذکر خداوند می‌کشاند و زاهدان از تفاخر به دور بوده و مظاهر دنیایی آنها را اسیر نکرده است.

آملی لاریجانی در پایان سخنان خود، در خصوص مقام علامه حسن زاده آملی تصریح کرد: ایشان در تمامی آثارشان به معرفت نفس اشاره داشتند و نامه‌ای را که از میرزا جواد آقا ملکی به یادگار مانده بود را تصحیح کرده و منتشر کرده است.

در بخش دیگری از این مراسم سیدهادی موسوی دبیر اجرایی سومین همایش طبیب روحانی در این مراسم اظهار داشت: دانشگاه تهران به عنوان نماد آموزش عالی کشور در کنار پیشرفت‌های علمی، آموزشی و تحقیقاتی مسئولیت سنگینی را در حوزه نشر فرهنگ دینی و اخلاق برعهده دارد و گام‌های اساسی در این راستا برداشته است. وی برگزاری همایش طبیب روحانی را یکی از سرفصل‌های نشر فرهنگ دینی برشمرد و افزود: شخصیت آیت الله علامه حسن زاده آملی در علوم مختلف مانند تفسیر، فقه، علم کلام، طب قدیم، نجوم، ادبیات، منطق، فلسفه، عرفان و اخلاق سرآمد است و گویی ایشان در جست‌وجوی همه دانش‌ها بوده‌اند. موسوی تصریح کرد: علامه با کتاب و کاغذ هم‌نشین بوده است و لحظه‌ای را دور از تحقیق و تحصیل نگذرانده‌اند. محمدرضا منصوری، سرپرست دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز خاطر نشان کرد: برگزاری این گونه همایش‌ها به خاطر هماهنگی و تلفیقی است که باید بین طبیب روحانی و جسمانی وجود داشته باشد و ما طبیبان جسمانی نیاز مبرم‌تری برای درمان دردهای روانی و کمبودهای روحی به طبیبان روحانی داریم. وی با تأکید بر اینکه تزکیه و تعلیم همان طور که در قرآن هم اشاره شده باید در کنار هم باشد، افزود: بنابر خواسته و تلاش امام راحل و مقام معظم رهبری باید برای وحدت حوزه و دانشگاه تلاش کنیم که برگزاری این گونه بزرگداشت‌ها می‌تواند مفید واقع شود. آیت الله علامه حسن زاده آملی صاحب بیش از یکصد تألیف بوده و نظریاتش در فلسفه، جالش برانگیز است. کتاب‌هایی چون معرفت نفس، نهج‌الاولایه، رساله نور علی نور، ذکر و ذاکر و مذکور، گشتی در حرکت، وحدت از دیدگاه عارف و حکیم و دیوان اشعار از جمله تألیفات این عالم بزرگ دینی است.

آیت‌الله جناتی از چهره‌های سرشناس و نواندیش دینی است و به‌خصوص در حوزه حقوق و جایگاه زنان در اسلام، از مراجع فعالان امور زنان و علاقه‌مندان به موضوع بازنگری در قوانین منبعث از فقه اسلامی محسوب می‌شود. وی از معدود علمایی است که «مرد بودن» را در مرجعیت تقلید شرط نمی‌داند و اساسا تأثیر جنسیت را بر احراز موقعیت‌های معنوی و امتیازات مادی جایز نمی‌داند. از مصاحبه‌های گذشته ایشان که با عنایت خانواده ایشان در اختیار روزنامه قرار گرفته است بخشی را به جهت مسایل روز انتخاب و می‌آوریم:

حضرت آیت‌الله جناتی در آستانه دور تازه‌ای از انتخابات ریاست‌جمهوری قرار داریم و می‌دانید که سال‌هاست بر سر ریاست‌جمهوری زنان بحث است و عده‌ای با استناد به اصطلاح «رجل سیاسی» که در قانون اساسی آمده با آن مخالفت می‌کنند. آیا حضرت تعالی، به عنوان یک مجتهد صاحب فتوا، ریاست‌جمهوری زنان را مجاز می‌داند؟

تصدی ریاست‌جمهوری توسط زنان هم مثل مرجعیت و قضاوت زنان هیچ منعی در اسلام ندارد. در پایان جلد اول توضیح‌المسائل نیز به‌گونه واضح جواز تصدی مقام ریاست‌جمهوری و قضاوت را برای زنان روشن کرده‌ام. البته ورود در این مباحث و گفتن این حرف‌ها هزینه دارد. آن‌هایی که زیاد منبر رفته‌اند می‌دانند که چطور موضوع بحث را از فراز و نشیب مصون بدارند، اما ما که منبری نیستیم مثل درسی که می‌گوییم آن‌جا هم سخن می‌گوییم. در آن‌جا اگر از علمای شیعه سوال کنید که زن می‌تواند رییس‌جمهوری شود یا نه بیشترشان می‌گویند نه؛ از علمای سنی هم پرسید می‌گویند جایز نیست، به آن‌ها می‌گوییم دلیل شما چیست؟ چون انسان‌ها که براساس زن و مرد بودن یا یکدیگر فرق نمی‌کنند. در امور مدیریتی و هر قسم دیگری از امور اصلا جنسیت مطرح نیست و توانایی فکری و دانایی و تدبیر و مهارت است که مطرح است؛ می‌خواهد زن باشد، می‌خواهد مرد. این شرایط باید برای زمامدار محقق شود، اما ادله علمای مخالف که شما می‌خواهید بدانید چیست؟ می‌گویند به دلیل این که پیغمبر (ص) فرمودند ما هم مخالفت می‌کنیم، سوال می‌کنیم پیغمبر (ص) چه فرمودند؟ اشاره می‌کنند به این که ایشان فرموده است:

«لم یفلح قوم ملکتهم الامراه»، به این معنی که اگر زنی زمامدار مملکتی شود، آن مملکت رستگار نخواهد شد. این دلیل آقایان مخالف است.

شما این روایت را معتبر می‌دانید؟

این روایت از پیامبر (ص) نقل شده است، اما اساس و پایه ندارد. شما اول باید ببینید این روایت را چه کسی نقل کرده است؟ حسن‌ابن ابوبکره. کسی که به زوجه پیامبر، عایشه بسیار بی‌احترامی می‌کرد و مثلا وقتی که عایشه از کوچه‌ای عبور می‌کرد از او روی برمی‌گرداند. در جنگ جمل هم که عایشه،

شرکت داشت عده‌ای به حسن‌ابن ابوبکره؛ گفتند چرا در جنگ جمل شرکت نمی‌کنی و اصرار کردند که او هم شرکت کند. او هم از قول پیامبر (ص) چنین روایت کرد؛ یعنی روایتی که ابوبکره برای شرکت نکردن در جنگ ساخته بود نقل شده و مورد پذیرش هم قرار گرفته است، در حالی که حدیثی که بناست مورد استدلال قرار گیرد باید مرحله‌ای را طی کند؛ باید از چهار فیلتر عبور کند و در مرحله اول کسانی از علمای حدیث و رجال که مجتهد باشند باید آن را بررسی کنند که چه کسی آن را روایت کرده است؛ نکته دوم این که آیا این روایت دلالتی بر معنای مقصود که حرام است یا حلال دارد یا نه؟ کسانی که در علم اصول مجتهد هستند این بخش را بررسی می‌کنند؛ نکته سوم که باید بررسی شود این است که اصلا به چه مناسبت امام یا پیامبر این سخن را گفته‌اند؟ آیا در مقام تقیه بوده است؟ مخاطبان این سخن چه کسانی بودند؟ جلسه چه بوده است؟ ممکن است مصلحتی در نظر بوده باشد و این‌ها همه باید بررسی شود؛ مرحله چهارم هم این است که باید ببینند آیا این روایت معارض دارد یا ندارد؟ بنابراین نمی‌توان هر روایتی را به‌عنوان حکم خدا نقل کرد و براساس آن قانون گذاشت. این مسائل باید به صورت کامل بررسی شود؛ بنابراین حقوق زنان که الان واقعا ضایع می‌شود به دلیل چنین مسائل و چنین روایاتی است که با استناد به آن زنان را از تمام مزایا محروم کرده‌اند؛ البته امروز که وضعیت بهتر شده است، روزگاری بود که حتی زن اگر از کوچه عبور می‌کرد باید از کنار می‌گذشت...

این روایات ضدزن را که می‌فرمایید جعلی هستند، چه کسانی می‌ساختند و ترویج می‌دادند؟

این‌ها همه ریشه در دوران بنی‌عباس دارد؛ ۵۰ هزار حدیث که بیشتر آن‌ها هم ضدزن هستند در دوران بنی‌عباس جعل شده‌است و مابین احادیث ما آمده‌اند؛ احادیث و روایاتی که اکثرا پایه و اساس ندارند. از طرفی بر فرض - تأکید می‌کنم که بر فرض - پیامبر هم چنین چیزی را فرمودند، شما باید ببینید در چه زمانی پیامبر چنین چیزی را فرمودند؛ زمانی بود که خسروپرویز از بین رفته بود و مردم ایران به پادشاهی پوراندخت یا

گفت‌وگو با آیت‌الله جناتی درباره برخورد با زنان در جامعه

جنسیت در مدیریت و هیچ امور دیگری ملاک نیست



آزمیدخت، دختران کسری نظر داشتند. این حدیث که ساختگی است، اما بر فرض هم که بوده باشد درباره این واقعه تاریخی است که پیامبر اسلام (ص) می‌خواستند بگویند کسری که بود که حالا پوراندخت که باشد؟ بر فرض هم که این روایت درست باشد، به این جهت گفته شده است نه این که علیه زنان بوده باشد. از سوی دیگر شما ببینید امام علی(ع) چه می‌گوید؛ ایشان می‌گوید «احکم» به هذا الامر اعلمکم»، یعنی شایسته‌ترین شما برای این امر عالم‌ترین شماست و گاه هم به معیار بصیرت اشاره می‌کنند و به معیارهایی مانند مهارت و تدبیر اشاره می‌شود و اصلا در بحث زمامداری هیچ کجا جنسیت مطرح نشده است. در مسائل اجتماعی و در اداره مملکت اصلا و ابدا در هیچ کجای دین اسلام مسئله زن و مرد مطرح نشده است، اما معلوم نیست کسانی که می‌گویند جایز نیست زن زمامدار بشود چرا تنها به همین حدیث استناد می‌کنند؟

درباره قضاوت زنان چطور؟ می‌دانید که تعداد فراوانی از زنان تحصیل‌کرده در رشته‌های حقوقی و قضایی هستند که اجازه قضاوت به آن‌ها داده نمی‌شود. آیا در دین اسلام منع مشخصی برای قضاوت زنان وجود دارد؟

مخالفان قضاوت زنان استدلال می‌کنند که در روایت آمده است: «انظروا الی رجل منکم یعرف شیئا من قضایانا و جعلته علیکم قاضیا» و این به آن معناست که «مردی را که قضایا و موازین قضاوت را می‌داند بر شما قاضی کردیم». این آقایان استدلال می‌کنند که رجل مرد است و زن را شامل نمی‌شود و این از ادله بسیار معروف ایشان است؛ در حالی که فقط در جایی که «رجل» همراه با کلمه «امراه» بیاید مراد از آن «مرد» است و هرگاه که «رجل» تنها بیاید مراد از آن در مبانی فقهی و اجتهادی «شخص» است نه «مرد». این‌جا هم مراد مرد نیست، بلکه شخص انسان است و زن و مرد ندارد. از طرفی روایت است که «انظروا الی من روی حدیثنا» و در این روایت و بسیاری دیگر از روایات اصلا کلمه «رجل» وجود ندارد و می‌گویند کسی که قاضی می‌شود کسی است که به احادیث ما آگاهی دارد نه این که زن است یا مرد است. ضمن این که «رجل» هم اگر آمده باشد مراد «مرد» نیست، مراد «شخص» است. اگر مراد «مرد» باشد باید در کنارش «امراه» آمده باشد. برای این استدلال نظایری هم در قرآن هست؛ خداوند می‌فرماید: «ما جعل الله لرجل فی قلبه جوفین...» یعنی قرار ندادیم برای هیچ فردی دو قلب. اگر بخواهیم «رجل» را در

این‌جا «مرد» معنا کنیم آیا باید استدلال کنیم که برای زنان دو قلب قرار داده شده است؟ این‌طور که نیست؛ یا مثلا در روایات می‌پرسند که رجلی پیراهنش نجس شده است، چه باید بکند؟ یا «رجل شک بین ثلاث و ثانی»، در این‌گونه روایات مراد از رجل شخص است.

در مبانی و پایه‌های شناخت احکام اسلامی رجل هر جا تنها باشد مراد شخص است. در احادیث و روایات می‌فرماید: «من روا حدیثنا» که اصلا در آن زن یا مرد نیست. نتیجه این است که هرکس که موازین قضاوت را بداند می‌تواند قضاوت کند، می‌خواهد زن باشد یا مرد و این محدودیت‌ها معنا ندارد و از اسلام نیست. اسلام مانعی برای زنان نگذاشته است بلکه زنان در دوران پیامبر (ص) بسیار آزاد بودند.

نظرتان درباره تذکراتی که در خیابان‌های شهر به مردم می‌دهند و تعهدی که از افراد به اصطلاح بدحجاب گرفته می‌شود چیست؟

امر به معروف و نهی از منکر اخلاق و حساب و کتاب می‌خواهد و این‌گونه نیست که الان دارد اجرا می‌شود. باید شرایط زمان و مکان و عرف جامعه رعایت شود و نیاز جامعه هم همین‌طور. پیامبر (ص) به عایشه می‌گفت اهل تو جدیدالاسلام هستند وگرنه با آن‌ها برخورد می‌کردیم. پیامبر (ص) در شرایطی به مسجدالحرام می‌رفتند که ۳۶۰ بت بر دیوارها بود، اما ایشان نمازشان را می‌خواندند و عبادت می‌کردند و می‌رفتند. ولی وقتی مکه را فتح کردند همه این‌ها را از میان بردند. پس شرایط زمان باید رعایت شود. شرایط احوالی و مکانی هم باید رعایت شود؛ مثلا تازه‌مسلمانی در مسجدی که شخص پیامبر در حال سخنرانی بودند بنا کرد به ادرار کردن. همه سروصدا و دعوا و به او حمله کردند که این چه کاری است. پیامبر (ص) فرمودند ایرادی ندارد. شرایط احوالی او را در نظر بگیریم... او تازه مسلمان است و تازه از بادیه آمده و از این اصول خبر ندارد. شما هم مسجد را بشوید و به او بیاموزید حکم شرعی چیست، اما حق ندارید به او ناسزا بگویید. در رعایت شرایط مکانی هم آمده است در دوران جنگ دست دزدی را می‌خواستند قطع کنند و پیامبر اجازه ندادند و فرمودند اگر الان این کار را بکنید به دشمن ملحق شده‌اید و همه اطلاعات شما را فاش خواهد کرد. پیامبر (ص) همه این‌ها را رعایت می‌کردند، این ما هستیم که رعایت نمی‌کنیم. امر به معروف شرایطی دارد؛ باید معروف را بدانی، منکر را بدانی و احتمال تأثیر بدهی و ضرری هم برایت نداشته باشد. با ناسزا و شلاق که نمی‌شود امر به معروف کرد.

منبع: ویژه نامه روزنامه بهار - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۲

فراخوان‌های شیوخ وهابی بدعت در دین است و نه فتوا

تحت تأثیر ایالت متحده آمریکا و دستگاه‌های اطلاعاتی این کشور است، این سیاست نشان می‌دهد که آنان از رویارویی مستقیم با پیروان اهل بیت(ع) عاجز مانده‌اند و با این ادعاها و فرافکنی‌ها می‌خواهند به اهدافشان برسند. این پژوهشگر لبنانی همچنین گفت: امروز این گروه‌ها از رویارویی با ایران و شیعیان داخل و خارج از این کشور ناتوان مانده‌اند و نتوانسته‌اند آن‌ها را مجبور به پذیرش سیاست‌های غلط آمریکا کنند، بنابراین چون راه دیگری ندارند، به اتهام‌زنی دست می‌زنند؛ اتهاماتی که هر روز در جهان شاهد آن هستیم.

حسین شرف‌الدین در پایان خاطرنشان کرد: ما از سیاست‌های فتنه‌افکنانه چنین گروه‌هایی کاملا آگاه هستیم و برای در امان ماندن از فتنه‌های آنان به خدا پناه می‌بریم و تلاش می‌کنیم که اخلاق نبوی و تعالیم ائمه اطهار(ع) را در جامعه پیاده کنیم و تا زمانی که هدفمان خداست، هرگز به این فرافکنی‌ها توجه نخواهیم کرد و در برابر مبلغان آن تسلیم نخواهیم شد.

سیدحسین شرف‌الدین، نوه سیدعبدالحسین شرف‌الدین (صاحب کتاب المراجعات) و از محققان و فعالان ارشد شیعی لبنان و پژوهشگر علوم اسلامی است که مدیریت مدرسه «الجعفریه» را در شهر «صور» لبنان در کارنامه فعالیت‌هایش دارد.

وی با یادآوری اظهارات رئیس اتحادیه علمای مسلمان جهان علیه نخست‌وزیر عراق و اتهام‌زنی یوسف قرضاوی به نوری مالکی مبنی بر همکاری وی با ایران و حزب‌الله برای فعالیت علیه اهل تسنن، اظهار کرد: قرضاوی خود از جماعت تکفیری‌ها است و می‌خواهد فتنه‌افکنی کند، وی شیخ فتنه است - خداوند فتنه‌افکنان و عاملان آن را لعنت کند - این گروه برای پیشبرد اهدافشان کاری جز متهم کردن گروه‌های مسلمان به همکاری با ایران ندارند، آنان ما لبنانی‌ها را هم به دنباله‌روی از ایران متهم می‌کنند، اما باید بدانند که با این گونه اقدامات به اهدافشان نخواهند رسید.

شرف‌الدین تأکید کرد: خداوند در همه حال با مؤمنان(شیعه و سنی) خواهد بود و آنان را که خدای واحد را می‌پرستند، یاری خواهد کرد، ما از خدا می‌خواهیم که در دام مبلغان فتنه و دشمنان گرفتار نشویم و در مسیر پیشبرد اهدافمان فقط به خدا توکل می‌کنیم.

عربستان، قطر و آمریکا حامی سیاست فتنه‌افکنانه قرضاوی

این نویسنده لبنانی ادامه داد: سیاستی را که قرضاوی دنبال می‌کند، تنها به وسیله خودش سازماندهی و اجرا نمی‌شود، بلکه از یک سو کشورهای عربی همچون عربستان و قطر آن را مدیریت می‌کنند و از سوی دیگر

را عقل و منطق نیز قبول ندارد، بنابراین در نظر ما نیز رد شده خواهد بود.

این نویسنده لبنانی با بیان این که تکفیری‌ها درصدد ریشه‌کن کردن بذر شیعی در منطقه هستند، تصریح کرد: سعد الدریهم در این فراخوان غیرانسانی خود، قتل زنان شیعی در عراق را خواستار شده است، زیرا این گروه، توانمندی پرورش فرزندان محب اهل بیت(ع) در آینده را دارند و از سوی دیگر به قتل کودکان تشویق کرده است، زیرا آنان نیز در آینده زنان یا مردانی شیعه و دوستدار اهل بیت(ع) خواهند شد که این به نفع وهابیون و تکفیری‌ها نخواهد بود.

این پژوهشگر لبنانی خاطرنشان کرد: برخی درخواست‌ها و فراخوان‌های نادرست شیوخ وهابی را نباید فتوا بنامیم، زیرا فتوا واژه‌ای مقدس است که ابعادی دارد که پیروان این مفتی باید به آن عمل کرده و آن را اجرایی کنند و در حقیقت، مفتی باید برای خدا و جلب رضایت خدا فتوا دهد، بنابراین فراخوان‌های شیوخ وهابی، نه «فتوا»، بلکه «بدعت» در دین است.

سیدحسین شرف‌الدین بیان کرد: این فراخوان‌ها و دعوت‌های ناروا، وصیت پیامبر(ص) مبنی بر حفظ کرامت و جان انسان‌ها را زیر سؤال می‌برد؛ وصیتی که نظر قرآن کریم بوده و در کتاب و سنت مورد توجه قرار گرفته است.

تکفیری‌ها درصدد ریشه‌کن کردن بذر شیعی در منطقه هستند، بنابراین به صدور فتواها و فراخوان‌هایی باطل همچون کشتن زنان و کودکان شیعی در عراق اقدام می‌کنند؛ فراخوان‌هایی که عقل و منطق آن را قبول ندارد و نه فتوا بلکه نوعی بدعت در دین است.

سیدحسین شرف‌الدین، نویسنده و پژوهشگر لبنانی و همسر خانم ربابه صدر(خواهر امام موسی صدر) در گفت‌وگو با خبرنگاری بین‌المللی قرآن(ایکنا) ضمن بیان این مطلب گفت: فراخوان سعد الدریهم، از مبلغان وهابی سعودی در «توتیتیر» برای کشتن زنان و کودکان شیعی در عراق از سوی تکفیری‌هایی منتشر شده است که هر فردی اعم از شیعه یا سنی را که اعتقاداتشان را نمی‌پذیرد، می‌کشند و این اقدامشان را به هر بهانه‌ای توجیه می‌کنند، این در حالی است که ما کشتن هر انسانی اعم از شیعی و غیرشیعی را به‌طور کامل رد می‌کنیم و با جنایت‌های تکفیری‌ها کاملا مخالفیم.

سیدحسین شرف‌الدین در ادامه افزود: فتاوی تکفیری همچون فتاوی محمد العریفی، شیخ وهابی مبنی بر «جهاد نکاح»(اعزام دختران و زنان به سوریه برای ازدواج با تروریست‌های مسلح)، هرگز منشأ اسلامی نداشته و در آموزه‌های اسلامی جایی ندارد، این فتواها

تسلیت رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت درگذشت آیت الله عزالدین حسینی زنجانی

رهبر انقلاب درگذشت عالم جلیل القدر آیت الله حاج آقا عزالدین حسینی زنجانی را تسلیت گفتند
متن پیام حضرت آیت الله خامنه‌ای به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

رحلت عالم جلیل القدر مرحوم آیه الله آقای حاج آقا عزالدین حسینی زنجانی رضوان الله تعالی علیه را به عموم ارادتمندان ایشان در مشهد و زنجان و به علمای اعلام و حوزه‌های علمیه و بطور ویژه به آقازادگان محترم و بیت مکرم ایشان تسلیت میگویم. این بزرگوار که از عالمان برجسته و ذیفنون به شمار میروند، از زنجان و نیز دوران اقامت طولانی در مشهد مقدس، کانون توجه فرزندانگان و اصحاب اندیشه و هنر نیز قرار داشتند و محفل گرم هدایت و افاده‌ای ایشان محل حضور طبقات گوناگون بود. خداوند متعال بر علو درجات این عالم جلیل بیفزاید و بازماندگان را مشمول اجر و فضل خود قرار دهد.

سید علی خامنه‌ای
۲۴ اردیبهشت ۹۲

سابق‌الذکر با مرتبط دانستن این اقدامات دولت عراق با منویات رژیم پهلوی دولتمندان ایران و عراق را به اقدامات شدید انقلابی تهدید کردند.

۳- در پی هجرت امام(ره) از نجف به پاریس آیت‌الله زنجانی طی اعلامیه‌ای همراه با علمای اعلام مشهد، مراتب اعتراض خود را مطرح کردند.

۴- در دو حادثه مهم، شهادت آیت‌الله مصطفی خمینی و نیز دهم دی‌ماه مشهد (شهادت جمع کثیری از مردم حق طلب و شریف مشهد). ایشان و آیات فوق، عزای عمومی اعلام کردند.

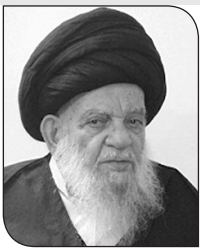
در کتاب «انقلاب اسلامی مردم مشهد» آمده است: «امروز، ۱۰ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ گروهی از علمای طراز اول مشهد به منظور اعتراض به ایجاد موانع برای مراجعت امام خمینی(ره) به ایران از طرف دولت بختیار، در صحن موزه (صحن امام خمینی(ره)) متحصن شدند که در رأس ایشان آیت‌الله زنجانی بود و نیز پس از مراجعت حضرت امام(ره)، آیت‌الله زنجانی در معیت آیت‌الله مروارید و آیت‌الله فلسفی و جمعی دیگر به نمایندگی از سوی مبارزان مشهد به ملاقات امام(ره) در تهران شتافتند.

حضرت آیت‌الله زنجانی(ره) پس از بازگشت امام(ره) به میهن و قبل از پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷، با توجه به نیاز انقلابی مردم زنجان، به دستور امام خمینی(ره) به زنجان مراجعت کرد و طی دو سال مسائل انقلاب و مردم را در منطقه رهبری می‌کرد. در سال ۱۳۵۹ از ترور رموزی نجات یافته، بدین جهت به طور دائم، به مشهد مراجعت کرد.

رساله علمیه، راه رستگاری، تفسیر سوره حمد، شرح زیارت عاشورا، مناسک حج و ترجمه فارسی آن، شرح خطبه حضرت زهرا(س)، زندگی نامه علامه فرزانه شیخ محمد جواد بلاغی، کتاب مطارحات حوال معیارالشکر فی القرآن(به زبان عربی و ترجمه فارسی) یکصد و ده سؤال (که مشتمل بر ۱۱۰ عدد از استفتائاتی است که از معظم له پرسیده شد)، مقالات فراوان در مجلات مختلف از جمله آثار منتشر شده مرحوم حضرت آیت‌الله حسینی زنجانی است. آثار منتشر شده زیادی دارند که عبارتند از: تقریرات و اصول فقه آیت‌الله‌العظمی حجت کوه‌کمره‌ای، تقریرات اصول و فقه آیت‌الله‌العظمی بروجردی، فیض العلیم فی شرح تحفه‌الحکیم، شرح زیارت آل‌یاسین، تعلیقه بر وسیله‌النجاه آیت‌الله‌العظمی اصفهانی و رساله فی حقیقه‌الایمان.

منبع:ایکنا

مروری بر زندگی مرحوم حضرت آیت‌الله سیدمحمدعزالدین حسینی زنجانی



زمان در کنار بیمارستان فاطمی بود منتقل می‌کنند و در منزل هم وضع رختخواب من چندان مرتب نبود، دستور دادند از منزل خودشان رختخواب مناسب آوردند. دوم مرحوم آیت‌الله حاج سیداحمد زنجانی بودند که در آن ایام بسیار لطف و محبت می‌فرمودند. پس از بهبودی به من فرمودند: «در روزهایی که حال شما خوب نبود و شما در حال اغما بودید مرتباً می‌گفتید عبدالرحیم قصیر، آن بزرگوار فرمودند: من فکر کردم تکرار این نام رازی دارد، شبانه کتاب عروه‌الوثقی را نگاه کردم، دیدم نمازی برای قضای حوائج از عبدالرحیم قصیر نقل فرموده. همان شب غسل کردم و آن نماز را خواندم و فردای آن روز حال شما رو به بهبودی می‌گزارد.»

حضرت آیت‌الله‌حسینی‌زنجانی(ره) پس از سال‌ها تحصیل و تدریس در حوزه علمیه قم به نجف اشرف عزیمت کرد و ماه‌ها در درس آیات عظام سیدعبداللهادی شیرازی و سیدابوالقاسم خوئی و خصوصاً سیدمحسن حکیم شرکت می‌کرد، در حالی که خود از مجتهدان مطرح حوزه علمیه بود. آیت‌الله‌العظمی حکیم به ایشان توجه و احترام داشت تا این که در پی بیماری والدش، حسب‌الامر آن مرحوم به ایران(زنجان) مراجعت می‌کند.

پس از رحلت آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد حسینی‌زنجانی، والد آیت‌الله سیدعزالدین در سال ۱۳۳۵، وی به جهت اداره مسجد جامع که به مسجد و مدرسه «سید» معروف است، در زنجان مستقر شد و در آن مسجد، نماز جماعت و جمعه را اقامه می‌کرد.

گفتنی است؛ در زنجان نماز جمعه به‌وسیله اجداد آیت‌الله زنجانی اقامه می‌شده است و این منصب در اولاد و احفاد ایشان بوده تا زمان رضاخان که آیت‌العظمی میرزا محمود حسینی‌زنجانی قطع نظر از اراده حکومت نماز جمعه را می‌خواند کما این که ایشان در مجلس مؤسسان راجع به تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی جلسه را ترک کرده و رأی نداده بود و نیز خلف ایشان هم بر اساس نسبت خانوادگی علاوه بر اقامه جماعت، نماز جمعه را تا وقتی که در زنجان بود، اقامه می‌کرد.

در ۱۷ خرداد سال ۱۳۴۲، در پی نهضت امام(ره)، آیت‌الله حسینی‌زنجانی علیه رژیم پهلوی سخنرانی کرده و دستگیر می‌شود و به همراه علمای مبارز از جمله استاد شهید مطهری و شهید هاشمی‌نژاد و آیت‌الله مکارم‌شیرازی و مرحوم محمدتقی فلسفی به‌مدت ۴۵ روز در زندان بود. پس از آزادی از زندان در مسائل سیاسی و اجتماعی فعالیت داشت. در سال ۱۳۵۰ که شاه مخلوع از «پاک» مراجعت می‌کند، وی در پی ایراد سخنرانی شدیدالحنی علیه شاه به واسطه «منوچهر آزمون» رئیس اوقاف وقت مجبور به ترک زنجان می‌شود و از آن تاریخ در جوار مضجع منور حضرت ثامن‌الحجج(ع) اقامت کرده و در حوزه علمیه مشهد مقدس به تدریس خارج فقه و اصول و تفسیر، حکمت و عرفان اشتغال می‌ورزد.

در ایام نزدیک به پیروزی انقلاب، از اوایل سال ۱۳۵۷ در طول مدت اقامت در مشهد نیز به مبارزات خود ادامه داده به همراه و با همکاری نزدیک و صمیمانه با علمای مشهد در حوادث و وقایع مختلف علیه رژیم نامشروع ستم‌شاهی اعلام مواضع می‌کرد.

در این میان ذکر بعضی از اهم فعالیت‌های این عالم مبارز در مبارزه با رژیم سفاک پهلوی لازم به نظر می‌رسد: ۱- در تاریخ ۲۶ تیرماه سال ۱۳۵۷ که مقارن بود با اواسط شعبان ۱۳۹۸، آیت‌الله زنجانی طی اعلامیه‌ای به همراه ارکان وقت حوزه علمیه مشهد، آیات عظام میرزاجواد آقانه‌رانی، میرزا حسن‌علی مروارید، میرزاعلی فلسفی، سیدکاظم مرعشی، موسوی شاهرودی، ابوالحسن شیرازی، علم‌الهدی سبزواری، محمدمهدی نوغانی و محمدرضا مدرسی با توجه به کشتار بی‌رحمانه مردم مظلوم و بی‌دفاع شهرهای مختلف، خصوصاً قم توسط رژیم پهلوی جشن و سرور ایام نیمه شعبان را تحریم می‌کنند.

۲- در ششم مهرماه ۱۳۵۷ به جهت محاصره بیت امام خمینی(ره) از سوی دولت عراق، ایشان و علمای

شرفیاب شدیم، ایشان فرمودند: نباید به این‌گونه کتاب‌ها اعتنا کرد؛ «الباطل یهجر بترک ذکره». بالاخره خود امام خمینی(ره) از وجود این کتاب مطلع شدند، درس اسفار را تعطیل فرمودند و پانزده روز جواب شبهات آن کتاب را نوشتند به نام «کشف‌الاسرار» که مکرر چاپ شده است. وقتی که بنده به درس امام خمینی(ره) می‌رفتم ابتدا معظم له

از منظومه تدریس و سپس از اسفار فرمودند و از ابتدای اسفار جمعی هم در درس معظم له شرکت می‌کردند. از جمله آیت‌الله سیدرضا صدر و آیت‌الله مهدی حائری و آیت‌الله فکور و مرحوم شیخ عبدالجواد اصفهانی. در سال ۱۳۳۵ علامه طباطبایی از تبریز که وارد قم می‌شوند، مرحوم والد هم در قم مشرف بوده‌اند، به من فرمودند که: آقای قاضی تشریف آوردند(در آن زمان علامه به شهرت خانواده‌ای «قاضی» معروف بودند) حتماً از محضر ایشان استفاده کنید، بسیار معتنم است. بلافاصله به محضر ایشان رفته و تفاضی درس کردم. در جواب فرمودند: هنوز کتاب‌های من از تبریز نیامده، بنده کتاب خود را در اختیار استاد گذارده و اولین درس اسفار استاد در قم با شرکت مرحوم حاج شیخ‌جواد خندق‌آبادی و عالم بزرگوار حاج شیخ‌علی‌اصغر کرباسچیان و بنده شروع شد.»

حضرت آیت‌الله زنجانی از محضر آیت‌الله شیخ‌مهدی مازندرانی که از علمای بزرگ قم ولی گمنام بود، مقدار زیادی از اسفار را خواند. پس بدین‌سان آیت‌الله زنجانی یک دوره از امام خمینی(ره) و یک دوره از علامه طباطبایی و نصف دوره از حاج شیخ‌مهدی مازندرانی کتاب اسفار را خوانده است و می‌گوید: بنای اولیه کتاب اصول فلسف و روش رئالیسم در منزل ما نهاده شده و بعدها هم ادامه داشت. ایشان پس از فراگیری از خرمن پرفیض این استوانه‌های علم و تقوی، برای استفاده بیشتر عزم نجف می‌کند و با استاد بزرگوار علامه طباطبایی مشورت می‌کند. علامه می‌فرماید: «در شرایط کنونی سفر شما به نجف تحصیل حاصل است.»

علامه طباطبایی به آیت‌الله زنجانی(ره) بسیار علاقه‌مند و در مواقع مختلف مقام علمی ایشان را بیان می‌کرد. در مصاحبه تلویزیونی علامه طباطبایی که در اواخر عمر شریفشان انجام شد، هنگامی که خبرنگار سؤال کرد از شاگردان برجسته خود به چه کسانی می‌توانید اشاره کنید، در پاسخ پس از شهید مطهری از ایشان به‌عنوان حاج سیدعزالدین امام یاد فرمود.

حجت‌الاسلام حاج شیخ عبدالحمید قائمی که از فضلا و علمای به نام زنجان بود، نقل می‌کرد که: پس از انقلاب من در محضر علامه طباطبایی بودم به مناسبتی مسائل زنجان مطرح شد، علامه چنین فرمود: «مقام علمی حاج سیدعزالدین برای مردم مجهول است، ایشان بسیار زحمت کشیده و دارای مراتب عالی علمی هستند.»

علامه طباطبایی دو مرتبه به زنجان سفر کرد و در هر کدام بیشتر از یک ماه توقف داشت. دفعه اول برای تسلیت به خانواده آیت‌الله زنجانی پس از فوت مرحوم والدشان در سال ۱۳۳۵ و دفعه بعدی در سال ۱۳۴۶ که از ایشان دعوت شد برای استراحت به زنجان بیاید. آیت‌الله زنجانی در این باره می‌گوید: «در مدت اقامت قم با دو نفر هم بحث بودیم. اولی شهید آیت‌الله مطهری و دیگر آیت‌الله حاج‌آقا عبدالحسین حائری که از نوادگان دختری آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ‌عبدالکریم حائری و سرشار از ذوق و استعداد فوق‌العاده بود، به‌گونه‌ای که ایشان قبل از بلوغ مجتهد بودند و مدت بسیاری درس مرحوم آیت‌الله بروجری و آیت‌الله حجت و معقول را با ایشان مباحثه می‌کردم.»

از خاطرات دوران قم، گرفتاری آیت‌الله زنجانی به مرض حصیه است که در این باره می‌گوید: «آن زمان مبتلا به حصیه شدم و داروهای جدید امروزی آن زمان کشف نشده بود و کسی مبتلا می‌شد با سختی و مدتی طول می‌کشید تا بهبودی حاصل شود. در این گرفتاری مرض دو نفر از بزرگان، بسیار مرا مورد تفقد قرار دادند، اول مرحوم امام خمینی(ره) بود که هر روز به منزل تشریف می‌آوردند تا این که حال من بدتر می‌شود با تأکید ایشان مرا به بیمارستان سها می‌بردند که آن

حضرت آیت الله سید محمد عزالدین حسینی زنجانی(ره) در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی مطابق با ۱۳۴۰ هجری قمری در شهر زنجان و در بیت علم و فقاقت دیده به جهان گشود و تحت تربیت والد بزرگوارش آیت‌الله‌العظمی حاج میرزامحمود حسینی (امام زنجانی) مدارج علمی را طی کرد. همزمان به تحصیلات کلاسیک و فراگیری زبان فرانسه نزد میرزامهدی‌خان وزیری پرداخت.

قبل از تشکیل حوزه علمیه قم به وسیله مرحوم آیت‌الله‌العظمی حائری‌یزدی، حوزه‌های بلاد ایران فعال بود، به ویژه حوزه علمیه زنجان در منطقه از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و بزرگانی در آن حوزه تربیت یافته‌اند. از شمار ایشان می‌توان از آیت‌الله سیدپونس اردبیلی و آیت‌الله فاضل‌لنکرانی - پدر مرجع فقیه - و آیت‌الله‌العظمی سیدابوالحسن رفیعی‌قزوینی نام برد که هر کدام از این بزرگان در فقه و اصول و فلسفه از حوزه علمیه زنجان استفاده کرده‌اند. آیت‌الله زنجانی(ره) از قول مرحوم والدش نقل می‌کند: «هنگامی که من برای ادامه تحصیل روانه نجف اشرف شدم، چون عالمان بزرگی را در زنجان درک کرده بودم، مثل مرحوم آخوند ملاقریان علی زنجانی و آقا شیخ زین‌العابدین عابدی که از شاگردان میرزا آخوند خراسانی بودند و مرحوم حاج‌شیخ غلام حسین فقیه‌زاده که هر کدام استوانه علم و تقوی بودند، محیط نجف اشرف چندان مرا نگرفت تا این که سؤال کردم آیا اساتید نجف غیر از معروفین کس دیگری هست؟ گفتند مدرسی است که در منزل تدریس می‌کند. رفتم به درس ایشان دیدم این درس است که (تشد الیه الرحال) و آن علامه محقق نائینی بود.»

پس از ورود به قم به درس خارج مرحوم آیت‌الله‌العظمی حجت در فقه و اصول حاضر می‌شود. از اول اصول تا اواخر استصحاب و در فقه از اول خیار مجلس تا آخر خیارات و یک دوره صلاة که حدود سیزده سال طول می‌کشد. پس از گذشت چند سال از ورود آیت‌الله زنجانی، آیت‌الله‌العظمی بروجردی در قم اقامت و درس خویش را شروع می‌کند. آیت‌الله زنجانی در درس وی شرکت می‌کند، در اصول از ابتدا تا اواسط ظن و در فقه کتاب اجاره و بخش اعظم صلاة را استفاده می‌کند و نیز در درس اصول آیت‌الله‌العظمی صدر یک دوره حاضر می‌شود.

وی همچنین از محضر آیت‌الله‌العظمی حاج سیداحمد خوانساری خارج مباحث الفاظ را استفاده کرده است. حضرت آیت‌الله زنجانی(ره) جریان شروع درس نزد این استاد را چنین بیان می‌کند: «مرحوم والد به جهت زیارت به قم مشرف شدند و تمام مراجع و بزرگان به دیدن ایشان آمدند و از جمله مرحوم آیت‌الله حاج سیداحمد خوانساری. پس از رفتن ایشان به من فرمودند: آیا از محضر ایشان استفاده می‌کنی، در پاسخ گفتم: ایشان منزوی هستند و ارتباط چندانی با حوزه ندارند. در جواب گفتند در مواقع بازدید از ایشان تقاضا می‌کنم و حتماً باید از وجود ایشان استفاده شود. به هنگام بازدید والد مسئله درس را طرح فرمودند، معظم‌له با تواضع فرمودند: آقای حجت هستند و نیاز به من نیست. ولی حضرت والد فرمودند: باید از محضر تان استفاده کند. با اصرار ایشان پذیرفتند و از اول مباحث الفاظ درس را شروع فرمودند. در ابتدای درس، من بودم و برادرزاده خودشان مرحوم سیدفضل‌الله و من تا پایان مباحث الفاظ بودم. بعد شنیدم که در ادامه بحث آیت‌الله حاج شیخ‌مرتضی حائری در درس ایشان شرکت می‌فرموده است.» آیت‌الله زنجانی کتاب «اسفار اربعه» را یک دوره به‌جز مباحث جواهر و اعراض در محضر حضرت امام خمینی(ره) خواند. در یکی از سفرها مرحوم والدش از امام خمینی(ره) درباره وی سؤال می‌کند، امام(ره) می‌فرماید: «ایشان بسیار خوش فهم و خوش قریحه هستند.» حضرت آیت‌الله زنجانی می‌گوید: «در ایامی که در محضر امام(ره) مشغول بودیم یکی از منصرفان کتابی منتشر کرد به نام اسرار هزار ساله که در این کتاب به زیارت و احکام اسلامی حمله کرده بود. ما طلبه‌های جوان با شور و حرارتی به محضر مراجع رفتیم تا برای پاسخ به این کتاب اقدام کنند، مخصوصاً به محضر آقای حجت

در سخنرانی افتتاح مسجد «محمد بن عبد الوهاب» در دوحه در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۱ که «شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی»، امیر قطر آن را ایراد کرد، وی به این نکته اشاره کرد که قطر برای حمایت و گسترش «وهابیت» تلاش می کند.

اصطلاح وهابیتی که امیر قطر در سخنرانی خود آن را به کار برد، در واقع تأکیدی مستقیم بر اشاعه شخصیت «محمد عبدالوهاب» بیش از تعلیم و آموزه هایش دارد که به طور معمول تکیه بر روش و خط مشی گذشتگان صالح است.

- تاریخ و صحنه دینی قطر

از اواخر قرن ۱۹ وهابیت عقیده حاکم بر قطر بود و «شیخ قاسم بن محمد» پسرانش عبدالله و علی برای تحکیم پایه های «مذهب حنبلی» تلاش بسیاری کردند و تلاش های آنها موجب شد تا «مذهب مالکی» در قضاوت و صدور فتوا کنار گذاشته شود و «شیخ قاسم بن محمد» که قطری ها او را بنیانگذار و مؤسس قطر توصیف می کنند، همان طور که سعودی ها «محمد بن سعود» را بنیانگذار و مؤسس پادشاهی سعودی در کشور عربستان می دانند، اقدام به جذب علمای سلفی از عربستان سعودی و سایر کشورها کرد و کتاب های سلفی و علمای وهابی را در جای جای جهان اسلام منتشر کرد و دادگاه های شرعی این کشور را واداشت تا با تکیه بر با فقه حنبلی قضاوت های خود را انجام دهند که آنها روح وهابی بر آن حکم فرما است.

۲- حاکمیت دینی و سیاسی عربستان سعودی بر قطر

در طول دهه های پنجاه و شصت میلادی قرن گذشته نفوذ علمای سعودی وهابی بسیار زیاد بود و این موضوع حتی داخل کشور قطر را نیز دربرمی گرفت، به طوری که «عبدالله بن زید آل محمود»، رئیس سابق دادگاه های قطر (اکثر افرادی که از آل محمود دارای پست ها و مناصب ارشد در قطر هستند، از نسل این شیخ به شمار می آیند) بارها به ریاض دعوت شد تا برخی از فتواها درباره احکام حج را دریافت کند. محمود در اصل یک فرد نجدی و از طلاب «مفتی محمد بن ابراهیم» (۱۹۶۹) بود.

۳- تبلیغ در آغوش وهابی های قطری

کشور قطر از نخستین کشورهای عربی است که درب هایش را به روی جماعت «التبلیغ و الدعوه» (تبلیغ و دعوت) گشود تا قطر خیلی زود به مرکز و کانون منطقه ای این گروه مبدل شود، به طوری که بسیاری از قطری ها از آن تأثیر پذیرفته و به آموزه ها و تعلیمش ایمان آوردند که در میان آنها مسئولان و وزرای قطری نیز ملاحظه می شدند. این گروه توانست در قطر رشد کند و به فعالیت خود به دور از سلطه و حاکمیت وهابیت سعودی ادامه دهد. همچنین توانست با مجوز سلفی گری وهابی و در کنار بی تحرکی و رکود اخوان المسلمین قطر همچنان به فعالیت خود در این کشور ادامه دهد.

۴- قطر وهابیتی ساده و نرم

از تلفیق و ادغام سلفی گری وهابی با آموزه های تبلیغ و دعوت می توان یکی از کلیدهای تدین قطری ها را شناخت و آن «وهابیت نرم و ساده» است و این آیینی است که نسل به نسل بر قطری ها حاکم بوده و پس از رسیدن شیخ حمد به حکومت و به دست گرفتن قدرت در نیمه دهه نود قرن گذشته همچنان پا بر جا باقی مانده و به حیات خود ادامه می دهد.

۵- نتایج ادغام در ابعاد سیاسی و اجتماعی
می توان گفت، این ادغام قطر را از بروز حالت های شبیه انقلاب و تنش و چالش بازداشت، موضوعی که بر عکس آن در عربستان سعودی اوایل بیداری اسلامی در دهه های هشتاد و نود قرن گذشته با آن مواجه شد. به همین دلیل قطر شاهد هیچ مخالفی خارج از

چشم داشت های قطری و طرح وهابی؛

چگونه وهابیت مدرن در قطر شکل گرفت؟



مفتی های سلفی وهابی در داخل کشور باشد، نماینده مذهبی قطر در خارج از این کشور است، با روحانیون و مفتی های فعالی در عرصه مذهبی، سیاسی و اجتماعی مواجه نیست که چالشی برای حکومت ایجاد کنند، به همین دلیل باید گفت که قطر فاقد روحانیون و مفتی های برجسته است.

۱۰- قطر اسلامگرایان تندرو را جذب می کند

پس از به قدرت رسیدن شیخ حمد در قطر، وی از طریق برخی از ورزایش مانند وزیر امور اسلامی قطر و تحت نظر مستقیم شیخ حمد و وزیر خارجه اش اقدام به جذب شخصیت های دینی تأثیرگذار و سلفی های سعودی و .. کرد و به آنها تابعیت و گذرنامه قطری داد و آنها را به خدمت گرفت. همچنین قطری ها از طریق شماری از مبلغان و فعالان سعودی اقدام به جذب سلفی های وهابی کرده و به آنها گذرنامه و تابعیت قطری دادند.

۱۱- قطر فاقد تنوع و کثرت گرایی

قطر برخلاف عربستان یا کویت و تا حدودی امارات متحده در عرصه فرهنگی و رسانه ای دارای تنوع و کثرت گرایی نیست. لیبرال ها و روشنفکران اسلامگرا در کویت دارای رأی و نظر هستند، اما در قطر هیچ اثری از آنها حتی با وجود داشتن تابعیت قطری ملاحظه نمی کنیم.

۱۲- فعالیت میدانی اخوان المسلمین در قطر

علی رغم آن که در قطر تعداد زیادی اسلامگرای وابسته به جماعت اخوان المسلمین و یا طرفدار آنها وجود دارد، اما بسیاری از آنها فعالیتی ندارند که شهروندان قطری را جذب خود کنند و فعالیت آنها به مراکز مطالعاتی، دانشگاهی و شبکه الجزیره محدود می شود.

۱۳- قطر ها وهابی اند و یا سلفی های حنبلی؟

شیخ حمد بن جاسم، وزیر خارجه و نخست وزیر قطر در یکی از حضورهایش در شبکه قطری الجزیره در ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۶ اعلام کرد که او «وهابی» است. این اظهار نظر واکنش نسل جوان قطر را به دنبال داشت تا پس از آن انجمن های جوانان قطر به صحنه بحث و مناقشه برسر این موضوع تبدیل شود که آیا ما سلفی هستیم یا وهابی؟ اظهار نظرهای انجام شده در آن محافل و پایگاه های مختلف اینترنتی نشان داد که اکثر نسل جوان قطر خود را «حنبلی سلفی» می دانند و زمانی که از آنها پرسیده شود، وهابی هستند یا خیر؛ پاسخ هایشان متفاوت بود و قاطع نبود. در واقع آنها اگرچه برای ابن عبدالوهاب و آموزه هایش ارزش بالایی قائل بودند، اما از توصیف کردن خود به عنوان فردی وهابی نفرت داشتند. این امر نشان می دهد که وهابیت در جامعه قطر ساکن بوده و فعال نیست.

۱۴- قطر نیز موسسی همچون ابن سعود دارد

افتتاح دانشگاهی بزرگ و نام گذاری آن به نام «محمد عبد الوهاب» با اهتمام قطر به بازنگری و بازنویسی تاریخ قطر همراه شد تا بر جایگاه والای شیخ قاسم محمد در این تاریخ بیش از پیش تأکید شود که از وی به عنوان بنیانگذار قطر یاد شده است. همچنین در این تاریخ برای اولین بار پیام هایش نیز منتشر شد که بر موارد زیر تأکید داشتند:

۱- تأسیس قطر بر اساس عقیده وهابیت

۲- نقش شیخ قاسم بن محمد با نقش موسس دولت سعودی امام محمد بن سعود برابری می کند.

۱۵- در جستجوی تاریخ گم شده

اعلام اینکه قطر کشوری وهابی است با فعالیت های فرهنگی همزمان شد که تلاش داشت، ضمن بررسی مجدد میراث برجای مانده از شیخ قاسم بن محمد و نسخه های خطی وی و مکاتبات او با «ملک عبد العزیز بن عبد الرحمن»، بنیانگذار پادشاهی سعودی در عربستان و نگارش آثار ادبی که بر تاریخ قطر تمرکز کند و ارتباط آن با وهابیت را به اثبات برساند. در مقدمه این اقدامات باید به توجه رسانه های قطری به روایت «القرصان» اشاره کرد که آن را یکی از اعضای خانواده های با نفوذ قطری یعنی «آل المحمود» و پسر رئیس دادگاه های قطر تألیف کرده است. در این روایت به وهابی های مبارز که اقدام به سرقت از کشتی های انگلیسی در خلیج فارس به فرماندهی و رهبری «رحمه الجابری»، قهرمان وهابی می کردند، پرداخته شده است. همچنین مطبوعات قطری صفحاتی را به رابطه مستحکم میان وهابیت و موسس قطر اختصاص دادند.

۱۶- قطری ها به طور رسمی اخوانی نیستند

با وجودی که قطر تلاش های بسیاری انجام می دهد تا این کشور به مرکز اسلام سیاسی و کانون جماعت اخوان المسلمین و مرکز جذب آنها مبدل شود، اما قطری ها هیچ گاه طی اظهار نظرهای رسمی اعلام نکرده اند که تفکر و اندیشه های اخوان المسلمین را می پذیرند و نماینده اسلام سیاسی هستند.

۱۷- جستجو برای ایدئولوژی سازگار

می توان گفت که اختلافات عربستان سعودی و قطر در دهه نود قرن گذشته تا سال ۲۰۰۵ و سال های پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی برای مدت مشخصی بر روابط سیاستمداران قطری با ایدئولوژی وهابی تأثیر گذاشت. با توجه به این که وهابیت به طور کامل با حکومت سعودی سازگاری دارد، مهمانان شبکه قطری الجزیره در برنامه های گفت وگویی تلویزیونی خود به وهابیت و محمد عبد الوهاب حمله کردند و این دوره دوره ای است که می توان آن را مرحله جستجو برای ایدئولوژی سازگار و مناسب توسط قطری ها نامید. با این حال در داخل قطر، قطری ها طبق عادت گذشته خود که همواره از علمای وهابی برای سخنرانی در مساجد، دانشگاه ها و تلویزیون رسمی دعوت کنند، ادامه دادند و می توان گفت که این سنت حتی در اوج اختلافات سعودی و قطری به قوت خود باقی ماند.

۱۸- بیان اختلافات در حد طبیعی

تحولات بزرگ و عمیق پس از سال ۲۰۰۸ میلادی در بهبود روابط میان قطر و عربستان سعودی در مقایسه با سال های پیش از آن نقش بسزایی ایفا کرد و این موجب شد تا قطری ها در ۴ سال اخیر از عملکرد خویش در عرصه عربی و منطقه ای احساس رضایت بسیاری کنند. این دیدگاه در کاهش میزان نگاه منفی قطری ها به اختلافات آنها با سعودی ها نقش مهمی داشت، درحالی که نبود این دیدگاه در گذشته باعث تیرگی روابط میان قطر و عربستان سعودی با تمام تجلیات فرهنگی دینی و سیاسی اش شده بود. در واقع قطری ها درک کرده بودند که ریشه های قبیله ای، فرهنگی و دینی خود را باید در عربستان و در میان وهابی های سعودی جست و جو کنند.

۱۹- توقف هجوم علیه وهابیت

ملاحظه شد که حمله علیه سلفی گری و یا وهابیت پس از سال ۲۰۰۸ میلادی آغاز شد و به سرحد از بین رفتن این اختلافات رسید.

۲۰- پیامدهای طرح وهابی قطر

اشاره های گذرای مسئولان قطری در رسانه ها در خصوص وابستگی و وهابی اشان به راحتی طی سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ به راحتی ملاحظه کرد. این درحالی است که نوار ضبط شده ای از گفت و گوی شیخ حمد بن جاسم، وزیر خارجه قطر با سرهنگ قذافی، دیکتاتور معزوم لیبی وجود دارد

ادامه در صفحه بعد

کشتارهای داخلی میان جهان اسلام است بدون بازتاب منفی بر اقلیت‌های مسلمان نیست و مشکلاتی برای زیستن آنها و به مباحث اسلامی خود ادامه دادن آنها و همچنین حفظ فرصت‌های در اختیار برای ادامه حیات فراوری آنها ایجاد می‌کند.

وی با تاکید بر این‌که «ما باید در داخل جوامع اسلامی نسبت به تفرقه‌افکنان و خشک‌مغزی‌هایی که در نگاه‌های سلفیت تندرو وجود دارد بی‌تفاوت نباشیم» اظهار کرد: وجود چنین تفکری بازتاب‌های منفی در چهره اقلیت‌های مسلمان می‌گذارد که همه ما اعم از شیعه و سنی باید مراقب آن باشیم زیرا رفتار ناهنجار ما در داخل جوامع اسلامی بر اقلیت‌های مسلمان در خارج از کشورهای اسلامی بازتاب منفی دارد.

فقا احکام مربوط به اقلیت‌های مسلمان را به طور دقیق بررسی کند

رییس دانشگاه مذاهب اسلامی همچنین با بیان این‌که «یک بخش از مطالعات ما باید معطوف به وضعیت اقلیت‌های مسلمان و احکام مربوط به آنها باشد» افزود: اسلام برای شرایط مختلف احکام خاصی دارد بنابراین فقها باید احکام مربوط به اقلیت‌ها را به صورت دقیق بررسی کنند و آنها را در یک شرایط فقدان آگاهی‌های لازم به احکام‌شان قرار ندهند.

مبلغی ادامه داد: نشستن از راه دور و آنها را همانند وضعیت‌های داخلی جهان اسلام دیدن و رها کردن موضوعاتی که برای آنها مطرح است به این معناست که ما یک نسل عظیمی را که دارای تاثیر و تاثر بر ما و جوامع دیگر است به خاطر فقدان توجه حکمی و فقهی در شرایط خلاء قرار داده‌ایم که این خلاء به گونه‌ای خاص پر می‌شود و بازتاب‌هایی به داخل جوامع ما خواهد داشت.

وی با اشاره به این‌که «اقلیت‌های مسلمان از حیث ظاهری و فیزیکی نیز در شرایط خاص اقلیتی هستند» اظهار کرد: از حیث ارتباط با جهان اسلام از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی، اقلیت‌های مسلمان در یک کنش و واکنش با جوامع اسلامی هستند و ما باید جهان اسلام را یکپارچه ببینیم و این می‌طلبد به ظرفیت‌ها و چالش‌های اقلیت‌ها از جنبه‌های ذکر شده بپردازیم.

رییس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس یادآور شد: باید از یک سو تجربه‌های اقلیت‌های مسلمان را به شدت مغتنم بشماریم، از یک جنبه به وضعیت سخت آنها بپردازیم و به فکر حل آنها بیفتیم و از طرفی آنها را در شرایط دور بودن از تعلیم فقهی و آموزش‌های دینی قرار ندهیم.

مبلغی در پایان تاکید کرد: نپرداختن به بحث اقلیت‌های مسلمان، نپرداختن به بحث داخل جوامع اسلامی و ایجاد ناهنجاری در آنجا بازتاب‌های منفی برای ما دارد و استفاده نکردن از تجربه‌های آنها نیز باعث می‌شود هم‌نوعان خوبی برای آنها نباشیم.

همان طوری که نمی توان از ارث برجای مانده از دهه نود یعنی دشمنی و اختلاف میان عربستان و قطر و حمایت قطر از مخالفان سعودی در ده ها حادثه و رخ داد پس از آن چشم پوشی کرد.

۲۴- قطر نگرانی کوچک در میان بزرگان
نمی توان از نگرانی ها و تهدیدات موجود در منطقه و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس علیه قطر چشم پوشی کرد، از جمله شیخ جنگ از سوی ایران و قطری که می خواهد به خاطر چشم داشت هایش میان بزرگان بازی کند و به بقای خود ادامه دهد. به این ترتیب قطر نمی تواند از این حقیقت چشم پوشی کند که این کشور بخش جدا نشدنی از عربستان سعودی و جزیره العرب است و شهروندانش از فرزندان قبایل جزیره العرب هستند و تاریخ، میراث، سنت، عقیده و مذهب است که سرانجام پیروز می شود.

منبع: مشرق

در گفت‌وگو با حجت الاسلام و المسلمین مبلغی بررسی شد:

قابلیت‌ها و چالش‌های اقلیت‌های مسلمان دنیا

مناسبات درست برقرار کرد.

مبلغی یادآور شد: کافی است این افراد سری به آن کشورها و روابط موجود شیعه و سنی در آن کشورها بزنند و مدل مناسباتی خوب آنها را که بر پایه اخوت اسلامی است از نزدیک ببینند تا بفهمند آنچه در داخل جوامع اسلامی به عنوان تصور دارند توهمی بیش نیست.

وی با اشاره به این‌که «البته اقلیت‌های مسلمان نیز هر کدام دارای مذهب خود هستند اما مناسباتی اسلامی دارند» تاکید کرد: این تجربه زندگی درس شیرینی است که ما می‌توانیم از آنها بگیریم.

روابط بین اقلیت‌های مسلمان بر پایه توجه به اخلاق است

این پژوهشگر مطالعات تقریبی با بیان این‌که «درس دیگری که می‌توان از روابط بین مسلمانان در کشورهای غیرمسلمان گرفت توجه به اخلاق و روابط معطوف به اخلاق در میان آنهاست» اظهار کرد: این موضوع نیز قابل تجربه برای بعضی جوامع در داخل فضای جوامع اسلامی است که ارتباطات خود را بر پایه اخلاق بنا نکرده‌اند و بداخلاقی بینشان برقرار است.

مبلغی ادامه داد: درس سومی که از تجربه زندگی اقلیت‌های مسلمان در کنار هم می‌شود، گرفت این است که آنها در یک فرآیند تمرکز بر فهم و شناخت اولویت‌های زندگی هستند به این معنا که به خوبی به زوایایی از اسلام که جنبه‌های اجتماعی‌تر و پراولویت‌داری دارد توجه می‌کنند و ذهنی طبقه‌بندی شده در ارتباط با اولویت‌ها و آموزه‌های دینی دارند و این را تجربه می‌کنند.

وی خاطرنشان کرد: ممکن است در پاره‌ای از جوامع داخلی کشورهای اسلامی این سبک و سیاق و نظم و چینش به هم خورده باشد، یعنی اموری که در اولویت نیستند و جنبه‌های فردی هستند در اولویت قرار گرفته و وظیفه تلقی می‌شوند و مبنای مناسبات قرار می‌گیرند و از سوی دیگر اختلافات را پیش می‌کشند اما آن جنبه‌های اخلاقی، سازنده و منعکس‌کننده زیبایی‌های اسلام را به حاشیه می‌رانند.

برخی در جوامع اسلامی چهره غیرموجهی از اسلام با سلوک خود نشان می‌دهند

رییس دانشگاه مذاهب اسلامی در ادامه با بیان این‌که «در مقابل تجربه موافقی که اقلیت‌های مسلمان در دنیا درباره اولویت قرار دادن مباحث مهم و طبقه‌بندی شده از اسلام دارند برخی در جهان اسلام چهره غیرموجهی از اسلام با سلوک خود نشان می‌دهند» گفت: در یک کلمه، نظام اولویت و نظم و چینش مباحث در داخل فضای جوامع اسلامی به هم خورده و در نتیجه نه به جنبه‌های فردی آنگونه که باید پرداخته می‌شود و نه به جنبه‌های اجتماعی آنگونه که اسلام می‌خواهد دست می‌زنند و چه بسا در برخی از تجربه‌های اقلیت‌های مسلمان وضعیتی نزدیک‌تر به حق و چپشی درست مبتنی بر اولویت واقعی، آنچنان که اسلام می‌خواهد رخ داده باشد.

به قطر همواره به عنوان هم پیمان و حامی بزرگ اخوان المسلمین نگریسته می شد و به سلفی ها از این منظر نگریسته می شد که آنها هم پیمانان سعودی ها هستند و بالبط باید سعودی ها به حمایت از آنها برخیزند.

۲۲- سلاح وهابیت امتیازی در دست سعودی ها

گفته می شود، ملک عبدالعزیز در یکی از نشست های خود گفته بود: دین همانند پرنده ای آزاد است، هر کس که آن را صید کند، آن را از آن خود کرده است. در همین راستا می توان علت طمع و چشم داشت قطری ها برای تسلط بر جریان سلفی وهابی را دریافت. به همین دلیل بود که دو هفته پس از اظهارات امیر قطر، سعودی ها در واکنش به این اظهارات با تشکیل کنفرانسی سلفی به ریاست آن را شاهزاده «تایف بن عبد العزیز»، ولی عهد سابق عربستان سعودی بر عهده داشت، نگرانی و عدم رضایت خود از موضع قطری ها

رییس دانشگاه مذاهب اسلامی معتقد است: باید از یک سو تجربه‌های اقلیت‌های مسلمان را به شدت مغتنم بشماریم، از یک جنبه به وضعیت سخت آنها بپردازیم و به فکر حل آنها بیفتیم و از طرفی آنها را در شرایط دور بودن از تعلیم فقهی و آموزش‌های دینی قرار ندهیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، با اشاره به این‌که «جامعه اسلامی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد» افزود: یک دسته مسلمانانی که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و یا در یک کشوری که تا سرحد نیمی از جمعیت آن مسلمان هستند و دسته دوم مسلمانانی که در کشورهای غیراسلامی و به عنوان اقلیت در آن کشورها حضور دارند.

وی خاطرنشان کرد: وضعیت اقلیت‌های مسلمان از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است، زیرا تلخی و شیرینی‌های بسیاری دارند و تجربه‌های آموزنده یا در تنگنا قرار دهنده آنها در کنار هم به چشم می‌خورد که لازم است به آنها توجه کنیم.

رییس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس با بیان این‌که «یک نوع بحث و بررسی در این ارتباط منتهی می‌شود به اینکه از تجارب اقلیت‌های مسلمان در دنیا بهره بگیریم» گفت: نوع دیگر بررسی منتهی می‌شود به اینکه ما به فکر آنها بیفتیم و مساعدت‌هایی را نسبت به آنها اعمال کنیم و بررسی سوم منتهی به احکام ویژه‌ای می‌شود که متناسب آن شرایط و جوامع آنهاست و باید شناخته شود.

قومیت‌ها و وابستگی مذاهب تاثیر منفی در روابط اقلیت‌های مسلمان در جوامع غیرمسلمان نگذاشته است مبلغی درباره بررسی نخست که نسبت به تجربه‌های قابل آموزش و دریافت از اقلیت‌های مسلمان است، تصریح کرد: به دلیل اینکه پاره‌ای از اقلیت‌های مسلمان مربوط به کشورهایی هستند که از حیث مناسباتی به یک معنا در کنار هم بودن را شکل و نمودی قابل توجه داده‌اند و مسلمانان در آنجا با یکدیگر روابط دوستانه، اسلامی و اخلاقی برپا کرده‌اند و قومیت‌ها و وابستگی به مذاهب در ایجاد ارتباط اسلامی بین آنها تاثیر منفی نگذاشته است.

وی ادامه داد: آنها به رغم این‌که در یک جامعه غیرمسلمان زندگی می‌کنند طعم اخوت اسلامی را با وجود وابستگی به قومیت‌های مختلف کاملاً چشیده‌اند و بحث شیعه و سنی به عنوان یک عامل تفرقه محسوب نمی‌شود، بلکه اجتماعی متشکل از شیعه و سنی در کنار هم تشکیل شده است.

رییس دانشگاه مذاهب اسلامی این اتفاق را تجربه‌ای بسیار عالی برای کسانی که در داخل جوامع اسلامی زندگی می‌کنند، دانست و گفت: این نوع زندگی می‌تواند تجربه خوبی برای کسانی که در داخل جوامع اسلامی دائما بر طیل عدم امکان اجتماع میان شیعه و سنی می‌زنند باشد که تصورشان بر این است که اختلاف مذهبی امری نیست که بشود از آن عبور کرد و یک

ادامه از صفحه قبل

که در آن قذافی به شایسته بودن آل ثانی برای دعوت به وهابیت و مکتب محمد بن عبدالوهاب اذعان و اشاره می کند که ارتباط نزدیکی میان آل ثانی و ابن عبد الوهاب وجود دارد برخلاف آل سعود که دارای وابستگی قبیله ای به عبد الوهاب هستند. می توان اظهارات فوق را اشاره هایی گذرا به طرح انتشار وهابیت توسط قطر دانست، طرحی که خود را اواخر سال ۲۰۱۲ میلادی با افتتاح مسجد محمد بن عبد الوهاب نمایان ساخت.

۲۱- شادی قطری ها و طمع برای کسب دستاوردها

اظهارات امیر قطر درباره وهابیت در اوج شادی قطری ها از پیروزی های اسلام سیاسی در سال ۲۰۱۱ پس از سقوط حسنی مبارک در مصر و سرهنگ قذافی در لیبی و به دنبال آن پیروزی اسلامگرایان (اخوانی ها و سلفی ها) در مصر و تونس بیان می شد. در این میان

در آغازین روز فروردین ماه ۱۳۹۲ / ۱۰ جمادی الاولی شیخ محمدمسعود رمضان البوطی – رئیس اتحادیه علمای شامات – به هنگام آموزش تفسیر قرآن در مسجد «الایمان» دمشق به طلاب جوان و مردم باایمان و مسلمان، به دست عنصری تباه، وابسته به جریان تکفیری (وهابی، سلفی) به شهادت رسید.

آشنایی این بنده با شیخ الشیوخ شامات به بیش از سی سال قبل و حضور در کنفرانس های متعدداندیشه اسلامی در الجزایر برمی گردد که شیخ در آن کنفرانس ها حضور فعال و چشمگیری داشت و در جلسات مستمر و هفت روزه آن بدون احساس خستگی شرکت می کردو علاوه بر سخنرانی، به نقد و بررسی سخنرانی های دیگران می پرداخت.

کنفرانس های اندیشه اسلامی یا «ملتقی الفكر الاسلامی» به همت مرحوم مولود قاسم وزیر امور مذهبی و فرهنگی همه ساله در یکی از شهرهای بزرگ الجزایر منعقد می گردید و ده ها نفر از علما و شخصیت های برجسته جهان اسلام، از همه مذاهب اسلامی، و صدها نفر از اساتید و دانشجویان الجزایری در آن شرکت می کردند. در نوزدهمین کنفرانس که در شهر «بجایه» الجزایر برگزار گردید، شخصیت هایی چون شیخ محمد غزالی، دکتر عبدالحلیم الجندی و دکتر فهمی هویدی (از مصر)، دکتر عبدالهادی التازی (از مغرب)، دکتر محمد ارکون و دکتر رژه گارودی (از فرانسه) دکتر عبدالله الاوصیف (از تونس)، دکتر جابر العلوانی (از آمریکا)، دکتر محمدمسعود رمضان البوطی (از سوریه)، دکتر عبدالله التركي (از جزیره العرب)، دکتر سیدجعفر شهیدی و شیخ محمدعلی تسخیری (از ایران) و ده ها نفر از علمای دیگر بلاد از جمله الجزایر، در آن حضور یافته بودند و به مدت هفت روز به ایراد سخنرانی و بحث پرداختند.

موضوع بحث آن سال، «فرهنگ اسلامی و غرب» بود و سخنرانی شیخ رمضان البوطی در باره «مفهوم فرهنگ اسلامی» مورد توجه حضار قرار گرفت. شیخ را در دو سه کنفرانس دیگر الجزایر ملاقات کردم. او از علمای شافعی بود و در دیدگاه های خود کمال عدالت و انصاف و اعتدال را ملحوظ می دانست و در عمل هوادار تقرب بین مذاهب اسلامی بود؛ از جمله در مسئله اجتهاد، افکار او به تفکرات شیعی نزدیک بود. در کنفرانس اندیشه اسلامی قبلی که در شهر «فسنطیه» برگزار شد، سخنرانی او تحت عنوان «الاجتهاد، حکمه، مجالاته، حجتیه، اقسامه» مطرح شد که بسیار جالب بود و به یاد دارم برادر عزیزمان آیت الله شیخ محمدعلی تسخیری که پس از امام موسی صدر، نجم المؤتمرات به شمار می رفت، بحث عمیقی تحت عنوان «حول الاجتهاد فی مدرسه اهل البیت» ارائه نمود که ایضا همگی دیدگاه اهل بیت و شیعه درباره اجتهاد بود و برای بسیاری از حضار روشنگر بود.

در کنفرانس هجدهم نیز که در پایتخت الجزایر منعقد شد، موضوع کنفرانس «الصحوه الاسلامیه» (بیداری اسلامی) بود و سخنرانی شیخ سعید رمضان تحت عنوان «الغزو الثقافی الحدیث» (جنگ فرهنگی جدید) درباره مقابله با این جنگ ایراد شد.

رمضان البوطی

شیخ محمدرمضان البوطی در سال ۱۳۴۷ق در روستایی به نام «جلیکا» که در کنار دجله قرار دارد، ولی جزء جزیره «بوطان» ترکیه به شمار می رود، به دنیا آمد. او در کنار پدرش «ملا رمضان»، در اوایل کودکی به دمشق هجرت کرد و دروس ابتدایی را در نزد پدر و مؤسسه «التوجیه الاسلامی» دمشق به پایان رساند. خود وی می نویسد: «پدرم نقش نخستین را در تربیت فکری و عقیدتی من داشت. او دروس صرف و نحو را به من آموخت و الفیه ابن مالک را داد تا حفظ کنم و من در کمتر از یک سال، تمام هزار بیتش را حفظ کردم و پدرم هر روز چندین بیت آن را برایم شرح می داد. در مدرسه التوجیه الاسلامی، من کوچکترین شاگرد بودم و مدت ها در آن مدرسه به سر بردم و درس خواندم و در اوقات فراغت، پیش پدر می رفتم و منطق و اصول و بلاغت می آموختم. و به سبب کثرت تلاوت قرآن، بخش عمده آن را حفظ کردم…»

شهادت شیخ الشیوخ شامات

استاد سید هادی خسروشاهی

مسلحانه، به قتل و غارت پرداخته و اماکن عمومی و نهادهای دولتی را تخریب می کردند، به شدت انتقاد کرد و از شیخ یوسف قرضاوی خواست که با اظهارات و فتاوی از تحریک جوانان پِرهیزد و در یک خطبه جمعه که پس از شهادتش مجدداً در تلویزیون سوریه پخش گردید، به وی هشدار داد و گفت: «برادر، من و تو در این سن و سال در یک وجبی قبر هستیم و به زودی هر دو از این دنیا خواهیم رفت و حیف است که در اواخر عمر، عامل کشته شدن بی گناهان بشویم.» البته شیخ همزمان از دولت سوریه می خواست که به عنوان مبارزه با تروریست ها، نباید منازل مردم تخریب و افراد بی سلاح و بی گناه در شهرها و روستاها کشته شوند؛ ولی خود او به فتوای شیخ دوحه، در دهم جمادی الاول ۱۴۳۴ق در مسجد الایمان که سالیان دراز در آن به تدریس و تفسیر قرآن برای صدها نفر از طلاب و علاقه مندان می پرداخت، همراه پنجاه نفر از شاگردانش به شهادت رسید.

نقش شیخ فتنه!

شیخ یوسف القرضاوی، چندی قبل در تلویزیون قطر از دوستی سابق خود با شیخ سعید رمضان اظهار تأسف کرد و به طور صریح به قتل همه کسانی که با حکومت سوریه همراه باشند اعم از ارتشی، علما و شیوخ و یا افراد عادی فتوا داد! عین جملاتی که شیخ فتنه در دوحه آن را بیان داشت و من آن را هنگام پخش از تلویزیون قطر یادداشت کردم، به قرار زیر است: «..الذین يتعاملون مع الحكومة، يجب ان نقاتلهم جميعا: عسکرین، خطباء، علما وغيرهم!»

این نص فتوای شیخ فتنه در دوحه است و پس از چند ماه که شیخ سعید به شهادت رسید، باز شیخ فتنه به میدان آمد و ضمن اظهار تأسف از اینکه با شیخ سعید دوست بوده، گفت: «خوشبختانه در این انفجار به مسجد صدمه زیادی نرسید و فقط عده ای به قتل رسیدند؛ اما رژیم اسد نهصد مسجد را ویران کرده است!» و بدین ترتیب روشن شد که در نظر شیخ دوحه جان انسان ها ارزشی ندارد و البته به تعداد مساجدی هم که به دست سلفی های تکفیری، تکبیرگویان منهدم شده است اشاره ای نکرد!

وی توضیح نداد که اعدام خطبا و ائمه جمعه و جماعات در شهرهای حمص و حماه و حلب و حتی دمشق، بدون محاکمه و اثبات جرم، به دست جوانان فریب خورده ای که از اکناف عالم به سوریه آورده شده اند، از لحاظ شرعی چه مجوزی دارد! آخرین نمونه جنایات تکفیری ها حمله به مسجد الحسین در حلب و به شهادت رساندن امام جماعت آن در داخل مسجد و نیز تخریب آرامگاه صحابی جلیل القدر حجر بن عدی الکندی در نزدیکی دمشق بود که باز از استنکار شیخ دوحه خبری نشد!

شیخ معاذ الخطیب که خود از شاگردان شیخ سعید رمضان به شمار می رفت و پیش از ملحق شدن به مخالفان، امام و خطیب یکی از مساجد دمشق بود، پس از شهادت شیخ رمضان البوطی ضمن تقدیم استعفاي خود به شیخ قطر، رسماً از اقدام تکفیری ها در به شهادت رساندن شیخ البوطی انتقاد نمود و در ضمن یک سخنرانی که از ماهواره ها پخش شد، گفت: «روش تکفیری ها با عقاید مردم مسلمان سوریه هماهنگ نیست و من اطلاع دارم که بعضی از کشورها، میلیون ها دلار خرج می کنند تا این تکفیری ها را برای رهایی از آن ها (للتخلص من هؤلاء) به سوریه گسیل دارند که اعمال آن ها با عقاید مردم ما سازگاری ندارد.» البته شیخ قرضاوی اکنون می تواند به سؤالات ما پاسخی ندهد؛ ولی اگر به روز قیامت اعتقاد دارد، بی تردید باید در آن زمان پاسخگو باشد، همان طور که شیخ سعید رمضان شهید قبلاً یادآور شده بود.

دیداری در دمشق

چند سال قبل همایشی بین المللی در پایتخت سوریه با شرکت ده ها نفر از شخصیت های معروف و علمای مذاهب گوناگون تحت عنوان «کنفرانس اندیشه سیاسی اسلام» برگزار گردید. در این کنفرانس که در مرکز نمایندگی فرهنگی ایران در دمشق (با همکاری مرکز فرهنگی فرانسه، مؤسسه گوته آلمان و مرکز فرهنگی اسپانیا در سوریه) برگزار شد، شخصیت های برجسته ای

مراحل تحصیلی در مرکز التوجیه الاسلامی پایان یافت و شیخ که مدت شش سال تمام در «منجک» نزد شیخ حسن حبنکه تلمذ نموده بود، عازم قاهره گردید و در دانشکده شریعت به تحصیل پرداخت و مدرک عالی دریافت نمود و به دمشق بازگشت و در دانشکده شریعت مشغول گردید. سپس برای اخذ دکتری در اصول فقه و شریعت اسلامی به دانشگاه الازهر رفت و در سال ۱۹۶۵پس از قبول شدن در امتحانات، با درجه عالی از رساله خود تحت عنوان «ضوابط المصلحه فی الشریعه الاسلامیه» دفاع کرد و به دمشق برگشت و نخست به عنوان مدرس و سپس استاد و بعد رئیس دانشکده شریعت انتخاب شد و در همه مراحل به کار علمی ادامه داد. شیخ سعید رمضان به زبان های عربی، ترکی و کردی مسلط بود و با انگلیسی هم به میزان کافی آشنایی داشت.

وی عضو مؤسسه «آل البیت للفکر والحضاره» در عمان و عضو «شورای مرکزی آکادمی آکسفورد» و مجلس مشورتی مؤسسه فرهنگی «طابه» در ابوظبی و عضو مشاور جلسات «مجمع الفقه الاسلامی» بود و در اغلب کنفرانس ها و همایش های بین المللی شرکت می کرد و حضوری فعال داشت؛ به طوری که تدوین سخنرانی ها و مباحثی که در آنها مطرح ساخته، مجموعه علمی – فرهنگی جالبی خواهد بود.

آثار و تألیفات

شیخ سعید رمضان علاوه بر صدها مقاله منتشرشده در جراید عربی و صدها سخنرانی در سوریه و همایش های بین المللی در بلاد گوناگون، دارای بیش از پنجاه اثر تألیفی است که اغلب یا همه آن ها به چاپ رسیده و بعضی از آنها به زبان های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ترکی، کردی و روسی و ملاوی ترجمه و چاپ شده اند. کتاب های زیر از جمله این آثار است:

هَذَا وَالِدِي، البدايات: باكوره اعمالی الفكریه، التعرف علی الذات، المذاهب التوحيديه و الفلسفات المعاصره، دراسات قرآنيه، مع الناس، فتاوى، هذا ما قلته امام بعضی الرؤسا و الملوك، الاسلام و العصر، الحُب في القرآن، هذه مشكلاتنا، محاضرات في الفقه المقارن، الامذهبيه، السلفيه ليست مذهب اسلامي، منهج الحضاره الانسانيه في الاسلام، نقض اوهام الماديه الجدليه، تجربه الترييه الاسلاميه، قضايا فقهيه معاصر، تحديدالنسل، الاسلام و الغرب، شرح الحكم العطائيه، فقه السيره النبويه…

البته اغلب این آثار مورد توجه و استفاده علما و مردم مسلمان قرار گرفته و بارها تجدید چاپ و یا به زبان های دیگر ترجمه شده اند؛ ولی مهمترین و ماندگارترین اثر وی شرح الحكم العطائيه تألیف «ابن عطاء الله اسکندری» است که در چهار مجلد به چاپ رسیده و مورد استفاده اهل علم و فرهنگ است.

روش شیخ سعید

شیخ سعید رمضان در واقع یکی از پژوهشگران معروف فلسفه بود؛ به طوری که یک رساله دکتری اش در نقد فلسفه دیالکتیک است. البته او در مسائل فقهی نیز صاحب نظر بود و از فقهای معاصر مذهب شافعی به شمار می رفت و به نوعی، گرایش اشعری در مذهب سنی با حفظ آرای سلفی معتدل داشت و دو کتاب اخیرش تحت عنوان «اللامذهبيه اكبر بدعه» (سکولاریسم بزرگترین بدعت) و «السلفيه مرحله زمنيه و ليست مذهباً اسلامياً» این گرایش را به خوبی نشان می دهد.

شیخ سعید از آغاز زندگی، به ویژه دوران حکومت بعثی ها در سوریه، با سیاست کاری نداشت؛ ولی به علت مخالفت با هر نوع خشونت و اقدام مسلحانه و تألیف و نشر کتاب «الجهاد فی الاسلام» در سال ۱۹۹۳ میلادی، متهم به همکاری با رژیم بعثی شد؛ در صورتی که وی اقدامات مسلحانه ای را که به نام جهاد در بعضی از کشورهای اسلامی از جمله الجزایر رواج یافته بود، مورد انتقاد قرار می داد و مفهوم جهاد واقعی در اسلام را در کتاب خود تبیین نموده بود.

در فتنه اخیر که از ابتدای سال ۲۰۱۱ میلادی در سوریه آغاز شد، شیخ سعید علی رغم دعوت دوست سابقش شیخ یوسف قرضاوی، حاضر به ترک دمشق نگردید و به طور صریح و شفاف از عملکرد کسانی که تحت عنوان جهاد

از دانشمندان کشورهای مختلف حضور داشتند و سخنرانی کردند که از جمله آنان: جان فرانسوا بایگر، فرنژر کلاوس روف، گرخوت روترو، فریبا عادل خواه (از فرانسه)، رضوان دلیر، احمد موصلائی طلال عتریسی (از لبنان)، دکتر ماجد شُدو، دکتر جودت سعید و دکتر جورج جبور (از سوریه)، اندریانس ویک، پروفیسور گرنت روتر (از آلمان)، پرفسور انتونیو ورتا (از اسپانیا) و دکتر نجفقلی حبیبی، حمید حیدری و سید هادی خسروشاهی (از ایران) بودند.

ترجمه عربی مجموعه سخنرانی های این سمینار تحت عنوان «الاسلام و الفكر السياسی» به همت رضوان زیاده تنظیم و از سوی «المركز الثقا فی العربی» در سال ۲۰۰۰ در کشور «مغرب» به چاپ رسید و نسخه ای از آن را برادر ارجمند جناب آقای دکتر نجفقلی حبیبی (رئیس وقت دانشگاه علامه طباطبایی) به این جانب داد. در کل بحث های مطرح شده اساتید، مباحث آکادمیک علمی و دارای محتوای ارزشمندی در زمینه های موضوعات مطرح شده بود. آقای دکتر حبیبی درباره «چگونگی شرکت سیاسی مردم در نظام سیاسی ایران» و این جانب تحت عنوان «اشکالیه العلاقه بین الدیمقراطیه و الاسلام» سخنرانی کردیم که مورد توجه حضار قرار گرفت.

این جانب نسخه تایپ شده بحث خود را توسط نماینده دکتر شیخ البوطی که در جلسه حضور داشت، برای نامبرده فرستادم و پس از پایان جلسات همایش به دیدار شیخ شتافتم که ضمن تشکر از حقیر گفت: «بحث جناب عالی بعضی از شبهات مرا درباره رابطه بین دموکراسی و نقش مردم در نظام کنونی ایران برطرف ساخت و اکنون من با دید بهتر و دیگری به این موضوع در ایران می نگرم.» شیخ سعید رمضان یکی دو سؤال طلبگی هم درباره روابط قوا در نظام حاکم پر ایران مطرح ساخت که توضیح لازم را دادم و شیخ مجدداً سپاسگزاری نمود.

نکته شگفت آنکه وقتی من با شیخ به زبان ترکی حرف زدم، تعجب کرد و از اینکه جمع کثیری در ایران به این زبان حرف می زنند، خوشحال شد؛ چون بر اثر تبلیغات دشمنان فکر می کرد که در ایران اسلامی آذری ها، کردها، عرب ها و بلوچ ها و غیره مجبور به ترک زبان مادری خود شده اند و توضیح بنده در کذب محض بودن این موضوع، بر خوشحالی او افزود.

شیخ البته ضمن هواداری از انقلاب اسلامی، از بعضی تصرفات دادگاه های آغاز انقلاب در مسئله سلب اختیارات یا تصرف اموال دیگران نگرانی داشت و معتقد بود این تندروی ها، مردم را دور می سازد و بهتر است که «تسامح اسلامی» و «عفو نبوی» اجرا شود…

شیخ سعید در ایران

شیخ سعید رمضان با علمای شیعه در ایران و عراق و لبنان و سوریه، روابط حسنه ای داشت و یک بار هم برای شرکت در کنفرانس «حقوق بشر اسلامی» که در ایران منعقد گردید، به تهران آمد و این بار هم دعوت «مجمع جهانی بیداری اسلامی» را برای شرکت در کنفرانس بین المللی علمای امت، که اوایل اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ در تهران منعقد گردید، پذیرفته بود و قرار بود در آن سخنرانی کند؛ اما کوردلان عصر حجری با استفاده از دلارهای نفتی، با به شهادت رساندن او در ۸۰ سالگی، مانع از حضورش در کنفرانس علمای امت شدند.

این جانب در مورد دو برادر گرانمایه: شهید ربانی و قاضی حسین شرعی کوتاه و به عنوان یادبود نوشته بودم که هر دو در جریده شریفه اطلاعات به چاپ رسید و اینک درباره شهید شیخ رمضان یادی به عمل آمد، به امید آنکه توفیق دست دهد تا در مورد بزرگوار دیگری که با او از سالیان پیش از نجف اشرف آشنایی داشتم (شیخ عبدالهادی الفضلی)، یادی به عمل آورم و به اقدامات او در اصلاح برنامه ها و دروس حوزه ها و آثار فکری منتشر شده اش، اشارتی بکنم.

سیاسی – اجتماعی – فرهنگی	
بشش ^۷	شماره ۳
	شماره مسلسل ۱۴۵۰
جهان اسلام	نیمه‌دوم اردیبهشت ۱۳۹۲
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com	

آمریکا و رژیم صهیونیستی در حال انجام است اظهار داشت: این سرکوب‌ها که با دستور آمریکا و اروپا و با دلارهای عربستان و قطر در حال وقوع است تا زمانی که با مقاومت ملت بحرین مواجه باشد به جایی نمی‌رسد. وی در ادامه به عزم راسخ ملت بحرین برای ادامه انقلاب این کشور اشاره کرد و ادامه داد: مردم بحرین از سال‌ها پیش تاکنون از بحران‌های بسیاری عبور کرده و در این سال‌ها هوشیاری و درایت بسیاری در مواجهه با آل خلیفه به دست آورده‌اند ازاین‌رو نتهتا در ادامه اهداف خود دلسرد نشده بلکه سرکوب‌گری‌های آل خلیفه آنان را در ادامه و استمرار راهشان مقاومتر و مصمم‌تر ساخته است. سخنگوی جنبش ۱۴فوریه بحرین همچنین از شکل‌گیری ائتلاف‌ها و تشکل‌های جدید در بحرین خبر داد و اظهار داشت: ملت بحرین یک‌پارچه به این نتیجه رسیده‌اند که زندگی در سایه نظامی که برای نظر و اعتقاد ملتش ارزش قائل نیست به‌هیچ‌وجه امکان ندارد؛ ازاین‌رو آل خلیفه به هر قیمتی باید سرنگون شود.

الشائب با تأکید بر اینکه ملت بحرین به سرنگونی آل خلیفه و برقراری نظام دموکراسی در این کشور امید بسیار دارد تصریح کرد: ملت بحرین امیدوار است که به‌زودی بتواند نظام حاکم بر بحرین را ساقط کرده از آن پس بتواند سرنوشت و مسیر سیاسی کشور را شخصا در دست بگیرد.

وی با بیان اینکه آل خلیفه تاکنون هیچ‌گونه مانعی در برابر سرکوب‌گری ملت بحرین پیش روی خود ندیده است اظهار داشت: برای ملت بحرین نیز هیچ مانعی برای رسیدن به اهدافشان وجود ندارد و ملت بحرین در کمال درایت و هوشیاری آمادگی دارند شبانه‌روزی تا جایی ندای آزادی و اجرای عدالت را سر دهند که به سقوط و سرنگونی رژیم آل خلیفه منجر شود.

سخنگوی جنبش ۱۴ فوریه بحرین:

انقلابیون بحرین تا سرنگونی آل خلیفه به مبارزه ادامه می‌دهند

شرکت‌کنندگان هرروز افزایش پیدا کرده و ملت انقلاب خود را با شدت و جدیت مضاعفی دنبال کرده است. سخنگوی جنبش ۱۴فوریه بحرین اقدامات سرکوب‌گرانه آل خلیفه را ناشی از تلاش‌های این رژیم برای بازی دادن مردم بحرین عنوان کرد و گفت: آل خلیفه تصور می‌کند چنانچه به اجرای توطئه‌های مختلف بپردازد و هر بار موضوعات جدیدی را پیش پای انقلابیون بحرینی قرار دهد می‌تواند از عزم انقلابیون کاسته مدت بیشتری در حکومت باقی بماند. الشائب با تأکید بر اینکه باقی ماندن آل خلیفه در رأس قدرت بحرین به‌هیچ‌وجه امکان ندارد خاطرنشان کرد: ملت بحرین اعتقاد راسخ پیدا کرده است که رژیم آل خلیفه دیر یا زود باید سرنگون شود ازاین‌رو همه جریان‌های سیاسی همگام با ملت بحرین یک‌صدا شده هرروزه فریاد سرنگونی آل خلیفه را سر می‌دهند تا این رژیم زورگو تصور نکند ملت بحرین خسته شده و از میدان مبارزه کنار رفته‌اند.

وی در ادامه از آمریکا به‌عنوان مانعی در برابر حل بحران بحرین یاد کرد و توضیح داد: تا زمانی که حمایت‌های آمریکا از بحرین به قوت خود ادامه داشته باشد نظام حاکم بر بحرین همچنان به سرکوب‌گری‌های خود ادامه داده برای محروم کردن ملت بحرین از دست‌یابی به حقوق خود تلاش خواهد کرد.

سخنگوی جنبش ۱۴فوریه بحرین حمایت آمریکا و کشورهای غربی از رژیم آل خلیفه را حاصل مبادله منافع خواند و تأکید کرد: آمریکا و کشورهای غربی همواره دنبال ثروت‌ها و منابع نفتی خاورمیانه بوده و کشورهای عربی متقابلاً نیازمند حمایت و همراهی مداوم آمریکا و اروپا بوده‌اند ازاین‌رو این دو جبهه غربی و عربی دست به دست هم داده‌اند و به قلع و قمع تظاهرات مردمی بحرین پرداخته‌اند تا بتوانند به این وسیله از منافع خود پاسداری کنند.

الشائب با بیان اینکه سرکوب انقلاب مردمی بحرین از سوی آل خلیفه و آل سعود در راستای برنامه‌های

در پی براندازی نظام حاکم بر سوریه هستند اما به‌محض قیام ملت بحرین علیه دیکتاتور کشورشان نیروهای خود را به بحرین اعزام می‌کنند تا از سقوط نظام حاکم بر این کشور جلوگیری کنند.

وی از کشورهای غربی و برخی کشورهای عربی در منطقه به‌عنوان حامیان اصلی آل خلیفه در سرکوب انقلاب بحرین نام برد و تأکید کرد: هرچند که اخیراً برخی از مجامع بین‌المللی سکوت سنگین خود را در قبال بحرین شکسته و در محکوم کردن جنایت آل خلیفه علیه ملت بحرین اقداماتی را به انجام رسانده‌اند اما تا زمانی که فشارهای ایالات متحده به قوت خود باقی باشد سرکوب‌گری‌های آل خلیفه و آل سعود علیه ملت بحرین نیز به قوت خود باقی می‌ماند.

سخنگوی جنبش ۱۴فوریه بحرین با تصریح به اینکه مقاومت ملت بحرین و انقلابیون بحرینی بیش از دو سال است که همواره از طریق تظاهرات مسالمت‌آمیز و تقدیم گل به نیروهای امنیتی ادامه یافته است اظهار داشت: تا زمانی که اعتراضات ملت بحرین به‌شکل مسالمت‌آمیز برگزار می‌شود سرکوب‌گری‌های آل خلیفه و آل سعود متوقف نمی‌شود ازاین‌رو لازم است ملت روش خود را در مبارزه و مواجهه با رژیم تغییر داده نسبت به مقابله با نیروهای سرکوب‌گر و اخراج آنها از بحرین اقدام کند.

الشائب با بیان اینکه زمان اخراج نیروهای نظامی بیگانه از خاک بحرین فرا رسیده است خاطرنشان کرد: از انقلابیون بحرینی تقاضا می‌شود گام‌های بعدی خود را در رویارویی با نیروهای سرکوب‌گر عملی و این نیروها را به خروج ذلت‌بار از خاک بحرین وادار سازند.

وی همچنین با اشاره به اینکه بیش از دو سال است که کشور بحرین صحنه تظاهرات مسالمت‌آمیز و حضور گسترده ملت بوده است اظهار داشت: همه این تظاهرات‌ها در حالی برگزار می‌شود که شمار

سابقه شیعه کشی در یک قرن اخیر

بیش بشود، بهتر خواهد بود. والسلام.

پاسخ شیخ الشریعه اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین و افضل صلواته و تسلیماته علی افضل انبیائّه محمد و آله الطاهرین و اصحابه المتعھدین.

پوشیده نماند آن که چنان چه اهل سنت فرق مختلفه و طوایف متشتّته می باشند و در اصول دین و فروع آن اختلاف فاحشی داشته و دارند. هم چنین شیعه طوائف مختلفه بودند و آن چه از کتب معتمده و آثار معتبره و تصریحات محقّقین طرفین معلوم و محقق شده، آن است که شیعه چهار صنف بودند:

اول، شیعه تفضیلیّه که قائلین به افضلیّت امیرالمؤمنین علی(سلام الله علیه) بر سایر خلّاقی راشدین(رضی الله عنهم) بوده اند، بدون آن که تعرّض و سوء عقیده نسبت به اصحاب و ازواج نبی (صلعم) داشته باشند و به جهت اعتقاد افضلیّت آن جناب عمل آن ها در فروع بر طبق اقوالی بوده که نزد آن ها از ایشان ثابت شده.

دوم، شیعه تبرّائیّه که علاوه بر معنای سابق، تبرّی از مثل طلحه و زبیر و معاویه و محاربین امیر المؤمنین داشته و در حق ذی النورین نیز اعتقاد صدور کبیره داشتند، بلکه منتهای علوّ تشیع سلف نزد بعضی همین قدر بوده: قال الذّهبی من اکابر اهل السنه فی میزان الاعتدال: الشیعی الغالی فی زمان السلف و عرفهم هم من تکلم فی عثمان و الزبیر و طلحه و معاویه و طائفه ممن حارب علیاً و تعرّض لسهّم

سوم، شیعه سبّیه که علاوه بر سابق، در حق بعضی از ازواج نبی (صلعم) و شیخین کلمات ناشایسته می گفتند و آن ها را غاصب، بلکه عیاذاً بالله کافر تعبیر می کردند. چهارم، غلات شیعه که العیاذ بالله الوهیت در حق امیر المؤمنین داشتند.

و محقّقین اهل سنت از دو صنف اول و مخالفه با آن ها و اخذ حدیث از آن ها و نقل اقوال و روایات تحرّز نداشته

بودن اسلام و یحث از فوائد حجاب از جمله این عناوین هستند.

از میان عناوین فوق، استفساریه یکی از پیشوایان مذهب جعفری شهر بخارا از شیخ الشریعه اصفهانی و پاسخ ایشان در خصوص روابط شیعه و اهل سنت ، به دلیل ارتباطی که با موضوع شیعه کشی، که از مسائل مهم امروز جهان اسلام است، دارد، بسیار قابل توجه است.

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض حضور مبارک حضرت حجت الاسلام و المسلمین، آیت الله فی العالمین مَتَعَا الله بطول بقائه می رساند:

انشاء الله مزاج مبارک در عین عافیت خواهد بود. غرض از تصدیع اوقات مبارک این است که اگر جویای احوالات اینجانب بوده باشید، الحمد لله و المَنّه از برکت توجهات انفاَس قدسیّه ارباب نوع نعمت عافیت ظاهری فی الجمله مرزوق است. لایذ به سمع مبارک اخبارات این جانب رسیده است که اهل عامّه حکم به کفر و امر به قتل و غارت ما طائفه، مردان و زنان و اطفال صغار را کشتند، حتی زن حامله را در میان راه عام شکمش را دریده، جنین هشت ماهه را بیرون آورده، پاره پاره نمودند. بعضی از دخترها به کنیزی بردند، دکاکین و خانه های ما را غارت نمودند. در میان کوچه و بازار فحش و دشنام دادند و تهمت ها بستند. الی الان هم فارغ از بلیّه نیستم. بعد از این هم معلوم نیست که حال ما چگونه خواهد شد. سبب این گونه صدمات به ماها از بی تقیّه گی حضرات مصنّفین و مؤلّفین و نویسندگان چاپخانه ها می باشد.

توقع از ارباب نوع این که امر بفرامند تا لعن و طعن را از کتب بردارند و بعد، چیزی که باعث بر این گونه صدمات و ابتلائات می شود، ننویسند تا باعث نجات چندین کرور نفس در خارجه بشود به جهت زیادی مترودین و نزدیکی راه ها غالب از کتب به دست اهل عامّه افتاده، باعث این فساد گردیده است. اگر چه برداشتن این ها از کتب محال عادی است، لکن هر چه

سخنگوی جنبش ۱۴فوریه بحرین با تأکید بر اینکه ملت بحرین بر ادامه مسالمت‌آمیز تظاهرات اصرار دارند خاطرنشان کرد: با وجود همه سرکوب‌گری‌های آل خلیفه ملت بحرین همچنان به آرمان‌های انقلاب خود پایبند بوده دست از مبارزه نخواهند برداشت.

«عبدالرئوف الشائب» سخنگوی جنبش ۱۴فوریه بحرین در گفت‌وگو با خبرنگاری تسنیم ادامه سرکوب‌گری‌های انقلاب ملت بحرین را از سوی نظامیان آل خلیفه و آل سعود عبث و بیهوده خواند و تصریح کرد: آل خلیفه بیش از هر اقدام دیگری به‌واسطه تشدید سرکوب‌گری‌ها علیه ملت و انقلابیون بحرینی مشروعیت خود را نزد مردم این کشور از دست داده دیگر هیچ‌گاه قادر نخواهد بود حیثیت از دست رفته خویش را میان ملت بحرین بازگرداند.

وی پایبندی آل خلیفه به سیاست دروغ و فریب افکار عمومی را طی سال‌های متمادی ابزاری برای بقای این رژیم در رأس قدرت بحرین توصیف کرد و اظهار داشت: دیگر دوران تن دادن ملت به دروغ‌ها و فریب‌های آل خلیفه به‌سر آمده و رژیم آل خلیفه به همین دلیل به استفاده از ابزار سرکوب و خشونت برای باقی ماندن در حکومت بحرین گرایش پیدا کرده است.

سخنگوی جنبش ۱۴فوریه بحرین اقدامات سرکوب‌گرانه نظام آل خلیفه را ظلم بزرگی در حق مسلمانان این کشور خواند و تصریح کرد: نقض حقوق بشر و اجرای عملیات نسل‌کشی علیه ملتی که به‌شکل مسالمت‌آمیز خواهان دست‌یابی به حقوق مسلم خود هستند جنایتی بزرگ و جرمی نابخشودنی است.

الشائب در ادامه به سکوت مجامع بین‌المللی مدعی دفاع از حقوق بشر در قبال جنایات آل خلیفه و آل سعود در بحرین اشاره کرد و اظهار داشت: راهی که این کشورها در پیش گرفته‌اند به‌خوبی از سیاست‌های دوگانه آنان در قبال تحولات خاورمیانه حکایت دارد؛ چرا که از یک سو

به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی ، ترور شیعیان که همچنان در عراق و پاکستان و دیگر نقاط ادامه دارد، سابقه ای طولانی دارد که در سندی در مجله درّه التجف مربوط به یک قرن پیش به آن اشاره شده است. در شماره ۴ و ۵ این مجله، با اشاره به اختلاف طایفه ای در بخارا و لزوم وحدت بین مسلمانان، نامه یکی از روحانیون بخارا به شیخ الشریعه اصفهانی و پاسخ مهم شیخ الشریعه که مرجع تقلید آن دوران بوده درج شده است.

در این نامه، روحانی بخارایی به کشتار فجیع و تکان دهنده شیعیان در آن سامان اشاره و از شیخ الشریعه کسب تکلیف می کند و شیخ الشریعه اصفهانی هم به وی پاسخ می دهد.

او شیعیان را به ۴ دسته تفضیلیّه، تبرّائیّه، سبّیه و غلات تقسیم می کند و اقدامات سبیه و غلات را در جنایت علیه شیعیان بی تاثیر نمی داند.

صاحب امتیاز این مجله حاج شیخ حسین اصفهانی و مدیریت آن بر عهده محمد محلاتی بود و بیش از ۸ شماره از آن فرصت انتشار نیافت. مجموعه شمارگان آن اخیرا تحت عنوان یازدهمین شماره از سلسله مجلات منتشره مکتبه روضه حیدریه در نجف اشرف به چاپ رسیده و حجت الاسلام والمسلمین ورعی، به تشریح عناوین مطالب آن پرداخته است.

موضوع نیاز انسان به قانون در زندگی فردی و اجتماعی، بحث علل تقدم ایران به رغم دریافت علوم مختلف از غرب، استبداد عامل عدم تحقق جامعه دینی، ردّ تفسیر بعضی از مجلات از علق و طبر ابابیل در قرآن به باکتری ها و بیماری ها، مناقشه در انکار حکم قصاص در بعضی از نشریات تهران، سخن از فلسفه سیاسی و معانی دموکراسی و اریستوکراسی، اظهار تأسف از حمله روس به ایران و سرزنش ملت ایران به خاطر سکوت و عدم مقاومت در برابر اجانب، دعوت به ترجمه کتب غربی به منظور آشنایی با فرهنگ غرب و آشکار شدن برتری فرهنگ اسلامی، پاسخ به اتهام مانع پیشرفت

و جا به جا در کتب دینیّه حتی مثل صحیح بخاری و مسلم بر روایات جمعی مسلم التّشیّع اعتماد می نمودند، چنان چه این معنا بر متبحّرین از علما مخفی نیست.

بنابر این مقدمات از اهل تدبّین و صلاح و سداد و کسانی که اعتقاد به يوم المعاد و مجازات ربّ العباد دارند، بسیار عجیب است به مجرد دیدن کلامی در کتابی از شیعه یا شنیده مقالی از بعض فرق شیعه حکم به ضالالت و کفر همه فرق آن ها نماید و اعراض و دماء و اموال جمعی را که خبر از سرائر و ضمائر ندارند، هتک و سفک و نهب نماید.

و اعجب از این آن که مقتدای اهل سنت در اصول، اعنی ابوالحسن اشعری و مقتدای آن ها در فروع، اعنی امام ابوحنیفه و امام شافعی به حسب تصریحات فقههای آن ها تکفیر هیچ یک از فرق مبتدعه و جمیع من یصلی الی القبله نکنند و همه را مسلم داند و محقّقون الدم، و اقتدای به غیر غلات از باقی فرق شیعه را در نماز تجویز کنند، چنان چه همه این ها در کتب فقه حنفیه و شافیه مضبوط است. و مع هذا جماعتی که رتبه ادنی تلامیذ آن ها را ندارند، و غاشیه تقلید آن ها را در گردن دارند، در فروع و اصول با آن ها مخالفت کنند و سبب تجزّی جمعی از عوام غیر میانین شوند و به فکر جوابی برای این فتاوای باطله و شکایت مظلومین، سیّما اطفال در عرصهٔ عرصات نباشد.

امروز روزی است که همه فرق مسلمین باید نزاع خانگی را موقوف دارند و به معاونت و معاضدت یکدیگر مقابله کنند با آن ها که اضمحلال شرایع اسلام و ایمان و انهدام اساس شریف قرآن و تبدیل ناقوس با صوت اذان و ذهاب اسم پیغمبر آخرالزمان(علیه و آله افضل صلوات الملک المّتّان) را مطالبه و عمل کنند به وصیّت آن جناب در مسمه خنیف و ید واحده بر من سوای خود شوند و زیاده از این تقویت قوای اجانب را به توهین و تضعیف قوای خود و شیوع اخبار موحشه که تصدیق وقع باسهم بینهم می نمایند، نکنند تا کی مسلمین در خواب و اغترار و اجانب هشیار و بیدار کار.

والسلام علی من اتّبع الهدی

اشاره

تاریخی‌ترین و گویاترین سند مبارزاتی امام خمینی که قریب به بیست سال قبل از آغاز قیام عمومی ایشان، یعنی در سال ۱۳۲۱ نوشته شده و در جلد اول صحیفه امام صفحه ۲۱، موجود است، مربوط به کتابخانه وزیری یزد است. «وزیری» یکی از روحانیون خدوم شهر یزد بوده است که علاوه بر ارادت به امام خمینی، خدمات قابل توجه‌ای به فرهنگ دینی مردم یزد کرده است. در این مقاله نویسنده محترم به مناسبت سی وینجمین سالگشت رحلت ایشان به بازخوانی خدمات وی پرداخته است. خدمات مرحوم وزیری را می‌توان نمونه کامل تأثیرگذاری علمای دینی در شهرها و بلاد دور از مرکز دانست که امروزه می‌رود به فراموشی سپرده شود:

مقدمه

بعضی از انسان‌ها توان تأثیرگذاری بسیار بالایی در جامعه خود داشته و می‌توانند تحولی شگرف ایجاد کنند. البته میزان این تحول بستگی به جامعیت آنها و فرصت و ظرفیت جامعه و افراد آن دارد. یکی مانند امام خمینی(س) کشوری و حتی منطقه‌ای را متحول می‌کند و جهانی را از خود متأثر می‌سازد، به طوری که مسیر و جهت تاریخ را عوض می‌کند، یکی در محدوده شهر و دیار خود و دیگری در میان اقرا و همسالان این تحول را به وجود می‌آورد. البته این تحول دو سویه است، اگر این فرد صالح و نیک اندیش باشد، جامعه‌ای را به صلاح و سلامت می‌کشد و اگر فرد فاسق و فاسدی یا دارای اندیشه‌ای منحرف باشد، جامعه و جهان را به فساد می‌کشد نظیر هیتلر، سید علی محمد باب و صدام حسین

حضرت امام در یکی از بیانات خود با اشاره به تأثیرگذاری علمای صالح در میان جامعه خود می‌فرماید: «در بعضی از شهرستان هایی که در ایام تابستان ما می‌رفتیم، بعضی از شهرستان‌ها را من دیدم که اینها بسیار مؤدب به آداب جامعه آنجا، مؤدب به آداب شرع هستند - مثل محلات که آن وقت‌ها اینجوری بود - انسان وقتی ملاحظه می‌کرد می‌دید که عالم خوبی آنجا بوده، چند تا ملای متدین خوب اگر در یک جامعه‌ای، در یک شهری، چند ملای متوجه به دیانت، عاقل و عامل به علم خودش باشد، لازم نیست موعظه کند اصلا، خود وجود او موعظه است.»^۱

یکی از این افراد که می‌توان گفت تأثیر شگرفی بر مردم دیار خود داشته و توانسته با رفتار و کردار خود تحولی بزرگ در فرهنگ و دیانت و سعادت مردم شهر خودش ایجاد نماید و یادگارهای ماندگاری بر جای گذارد که شاید اثرات آن تا قرن‌ها باقی بماند و به عنوان صدقه جاریه همواره بدرخشد، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید علی محمد وزیری یزدی است که تاکنون کمتر از وی نامی برده شده و به جامعه شناسانده شده است. البته در میان مردم یزد کمتر فردی را می‌توان یافت که با نام وی آشنا نباشد. علاقه‌مندان و شیفتگان به امام خمینی(س) و کسانی که دستی در تاریخ انقلاب اسلامی دارند نیز با این نام بیگانه نیستند و برای آنها «وزیری» نامی آشناست و شاید در بین آنها فردی نباشد که خدمت وزیری به امام و انقلاب را فراموش کرده باشد. ما در این مقال جهت آشنایی علاقه‌مندان به تاریخچه تاریخی‌ترین نوشته امام خمینی در کتابخانه وزیری و تأثیرات عمیقی که این مکتوب در روح و روان مرحوم وزیری ایجاد نموده است، ابتدا به معرفی کوتاهی از وزیری پرداخته و سپس به اصل نوشته امام و خدمات مرحوم وزیری می‌پردازیم:

بالندگی

در سال ۱۲۷۲ شمسی کودکی در یکی از خاندان اصیل یزد که از فرزندان امام صادق(ع) محسوب می‌شوند و به سادات غریبی مشهورند و جدشان همان امامزاده جعفر یزد بوده که حرم شریفش قبله آمال یزدی‌ها بوده

وزیری بی وزارت



قبل از بیان خدمات وزیری باید به این نکته اشاره کنیم که از ویژگی‌های منحصر به فرد وزیری، آینده نگری و ابداعات فکری و نوآوری‌های شخصی وی در آن دوران بوده است به طوری که در کنار خدمات عمرانی و وظایف عمومی روحانیون و انسانهای خدوم، نظیر رسیدگی به فقرا و نیازمندان و رفع حوایج شخصی افراد و ساخت مسجد و مدرسه و درمانگاه، دست به اقداماتی زده است. که در آن عصر هیچگونه سابقه قبلی نداشته و بدیع و نوشرده می‌شود و کسی دنبال انجام این امور نبوده است، در حالی که هر یک از این خدمات توانسته منشأ آثار وسیعی در سطح استان یزد و کشور بشود. ما در این نوشتار به اقدامات شاخص و ماندگار آن مرحوم اشاره نموده و علاقه‌مندان به تحقیق بیشتر را به کتب و منابع در دسترس و بازدید از آثار و ابنیه منسوب به وزیری در استان یزد ارجاع می‌دهیم.

۱. بازسازی و احیای مسجد جامع کبیر یزد
مسجد جامع کبیر یزد از بناهای تاریخی و مهم قرن هشتم هجری است که طی چند دوره تکمیل شده است و شروع ساخت آن به قرن ششم هجری برمی‌گردد. این بنا که در زمان خود در بهترین نقطه شهر احداث گردیده بود و نمادی از تلاش و کوشش و دینداری مردم این به شمار می‌رفت، به مرور زمان بر اثر بی توجهی حاکمان و متولیان امر در معرض خرابی کامل قرار گرفت. اکثریت منازل اطراف آن را یهودیان در اختیار گرفته بودند، و به محله جهودها معروف و کمتر مسلمین به آنجا رفت و آمد کرده و تبدیل به زباله دانی محل شده بود و کلیه موقوفات آن هم به تاراج رفته و درآمدی نداشت. مرحوم دکتر محمود افشار در بازدیدی که در سال ۱۳۰۵ ش از این مسجد داشته در خصوص وضعیت آن روز مسجد جامع می‌نویسد:

«قسمت عمده کاشی‌های رنگارنگ روح‌افزا از ستون‌ها، طاق نماها و مناره‌ها افتاده و به جای آنها آجرهای خاکی رنگ، منظرهٔ حزن انگیزی نمایش می‌دهد. حوض بزرگی که در جلوی آن بود با حالت خرابی و بی آبی خود احساسات رقت‌آمیزی در انسان برمی‌انگیزد. خلاصه من از مشاهدۀ این بنای عظیم مذهبی و ملی که در حال خراب شدن است انگشت حیرت به دندان گزیده به رفیق خود گفتم مسلمانان باید برابر سایر ملل دنیا خجالت بکشند که مساجد و ابنیهٔ ملیۀ آنان به این حال ویرانی افتاده است.»^۳

و مرحوم سید عباس آیت الهی در این خصوص می‌گوید:

«این مسجد با شکوه که روزی در میان شارستان قرار داشت بر اثر گسترش شهر، در این زمان بر کران شمالی دور از مرکز آبادانی و جمعیت غریب وار افتاده بود و کوچه‌های تنگ و خاک آلود و پر پیچ و خم، ورود بدان را بر مسافران داخل کشور و جهانگردانی که عظمت و اهمیت آن را در کتابها خوانده و گاه گاه به تماشای آن از کشورهای دیگر می‌آمدند. بسیار دشوار کرده بود.»^۴

در این شرایط و در حالی که فضای عمومی کشور مملو از بی دینی و هججه به باورهای دینی بود و قحطی و فقر و نداری حاصل از جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط دولت‌های متجاوز فرصت اندیشیدن به یک چنین

و بسیار محترم است، به دنیا می‌آید. وی از اخلاف سید مرتضی وزیر بوده و بدین لحاظ نام خانوادگی وزیری را انتخاب می‌کند. وی از دوازده سالگی از نعمت وجود پدر محروم شده و تحت نظارت و آموزش یکی از نزدیکان خود به نام افصح الملک قرار می‌گیرد که فردی ادیب، دانشمند و فقیه بوده و جایگاه منیعی در بین فرهیختگان یزدی داشته است. سید علی محمد خیلی سریع تحصیلات خود را پشت سر گذاشته و واعظی شهیر می‌شود و در فن خطابه سرآمد اقرا خود می‌گردد. وی از حافظه قوی و طبعی روان برخوردار بوده و با رعایت نظافت ظاهری و لباسی آراسته و بدنی همیشه معطر به بوی خوش و حسن سلیقه در بکارگیری اشعار و احادیث و آیات در منبر همه را مجذوب خود نموده و در هر محفلی شمع انجمن می‌گردد. وی ارتباطات و مراودات و مکاتبات زیادی با ادبا و دانشمندان و رجال فرهیخته داشته و در مسافرت‌های زیادی که به شهرها و بلاد می‌کرده در دیدار با افراد مختلف از بزرگان علم و ادب و سیاست درخواست می‌نموده است در دفترش یادداشتی بنویسند. مجموعه این دفتر در چهارصد و سی برگ و در چهار مجلد گردآوری شده است و شامل مقالات و دستخط بزرگان با تمثال ایشان، همراه با نکات علمی، ادبی، روایت و مسائل سیاسی - اجتماعی، دینی، اخلاقی، تاریخی، فلسفی و نیز برخی مکاتبات خصوصی است که از نظر آشنایی با روحیه و طرز تفکر نویسندگان در اوضاع و احوال زمان تحریر برای اهل تحقیق در خور توجه است. در میان اسامی افرادی که در این دفتر مطلبی نوشته‌اند، به اسامی حضرت امام، مرحوم آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی، مرحوم استاد محمد تقی شریعتی، مرحوم مهندس مهدی بازرگان، مرحوم دکتر یدالله سبحانی، مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی ... برخورد می‌کنیم که حاکی از حضور همه نوع اندیشه در این دفتر است. این دفتر که «مجمع الجواهر» نامگذاری شده هم اکنون در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می‌شود و قرار است منتشر گردد.

حضرت امام نیز یادداشتی در این دفتر نوشته بودند و کسی از این نوشته آگاه نبود. در سال ۱۳۵۵ حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر ناطق نوری به یزد مسافرت نموده به محضر مرحوم وزیری می‌رسد، در حالی که وی روزهای پایان عمر خود را سپری می‌کرد و در بستر بیماری بود، با راهنمایی وی رونوشتی از این یادداشت که در تاریخ ۱۳۲۱/۲/۱۵ نوشته شده است، در اختیار آقای ناطق نوری قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه عمده فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و خدمات فرهنگی وزیری مربوط به سال‌های ۱۳۲۴ به بعد می‌شود، می‌توان گفت اندرزها و سخنان حضرت امام که با تأکید «بخوانید و بکار ببندید» نوشته شده است تأثیری شگرف بر روحیه وزیری گذاشته است. چرا که حضرت امام در این یادداشت ضمن فراخواندن همگان به قیام برای خدا به صورت فردی و گروهی با استناد به آیهٔ شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيَةٍ مِنْ عِلْمِ غَدٍ» و با اشاره به صدمات و آسیب‌هایی که به اسلام و مسلمین وارد شده است، خطاب به مرحوم وزیری می‌گویند:

«ای آقای محترمی که این صفحات را جمع آوری نموده‌اید و به نظر علمای بلاد و گویندگان رساندید. خوب است یک کتابی هم فراهم آورید که جمع تفرقه آنان را کند و همه آنان را در مقاصد اسلامی همراه کرده از همه امضا می‌گرفتید که اگر در یک گوشهٔ مملکت به دین جسارتی شد، همه یکدل و یک جهت از تمام کشور قیام می‌کردند.»^۲

جالب این است که همه تشکلهای و جمعیت‌هایی که مرحوم وزیری تأسیس می‌کند نظیر تشکل جامعه مسلمین یزد، انجمن حامیان مسجد جامع، انجمن واعظین یزد، جامعه تعلیمات اسلامی یزد و انجمن ادبی یزد، که هر کدام منشأ خدمات و برکات زیادی برای مردم یزد شده است از سال ۱۳۲۴ هـ-ش به بعد تأسیس شده است و می‌توان گفت به احتمال بسیار قوی توصیه حضرت امام نقش تعیین کننده‌ای در جهت‌گیری فعالیت‌های سیاسی اجتماعی مرحوم وزیری داشته است.

خدمات مرحوم وزیری

موضوعی به کسی نمی‌داد، خصوصاً اینکه هزینه و توان بسیار بالایی برای بازسازی این مسجد عظیم مورد نیاز بود و این امر خارج از توان یک فرد و مردم یک شهر کوچک و فقیر به شمار می‌رفت، ولی مرحوم وزیری با تشکیل هیئت حامیان مسجد جامع، استین همت به کمر زده و شروع به بازسازی آن می‌کند. مرحوم دکتر ایرج افشار می‌گوید:

«آن وضع و حال شکستگی و ویرانگی مسجد جامع راه، عکسی که آرتور اپهام پوپ در کتاب معروف «بررسی هنر ایران» به چاپ رسانده است (حدود سال ۱۹۳۵) خوب می‌نمایند. تا اینکه مرحوم وزیری پس از شهریور ۱۳۲۰ قد علم کرد و یک تنه با همتی کم مانند به تشکیل هیأتی از اخبار و دوستداران آثار باستانی پرداخت و با جمع آوری اعانه‌های مختصر متدرجاً به مرمت و تعمیر مسجد اهتمام کرد. طبعاً ناگزیر شد که دست طلب و تمنی پیش هر کس که می‌شناخت دراز کند. با جمع کردن قران قران توانست که خشت به خشت مسجد را به حالت زیبایی کنونی‌اش درآورد. سفرها به اصفهان و قم و نواحی دیگر کرد و در تهیهٔ کاشی و آوردن استاد کاشی ساز حوصله‌ها به خرج داد. به راستی کاری کرد که یک وزارتخانه و سازمان در طول چند سال نمی‌کند. در خرج کردن مبالغی که به خون دل جمع می‌کرد ملاحظه و دقت تمام مبذول می‌کرد که دیناری بیجا خرج نشود. از پای نشست تا مسجد را بیاراست و خوب هم آراست، بدان حد که امروز یکی از سه - چهار مسجد دینی درجه اول ایران به شمار می‌آید.»^۵

مرحوم آیت‌الله سید عباس خاتم یزدی نیز می‌گوید:

«یاد دارم روزی در همان ایامی که مشغول تعمیر مسجد بودند، جلو مسجد مقدار زیادی آجر برای بنایی ریخته بود، شاید قریب صد هزار آجر بود بعد از آنکه نماز جمعه تمام شد ایشان ابتدا خودش شروع کرد به بغل کشیدن آجرها و بردن آنها به پشت بام مسجد و به تبعیت ایشان مردم مشتاقانه کمک کردند و تمام آجرها را بردند پشت بام.»^۶

مرحوم وزیری در ساخت و تعمیر مسجد جامع فقط به ساختمان مسجد اکتفا نمود بلکه با همت و پشت کار بالایی که از خود نشان داد، خیابانی در مقابل مسجد احداث نمود که دسترسی به مسجد راحت‌تر انجام پذیرد و آن را از داخل کوچه پس کوچه بیرون آورد و در ابتدای خیابان مسجد جامع نیز یک برج بلندی تأسیس نمود و در بالای آن ساعت بزرگی نصب کرد تا رأس هر ساعت صدای ساعت مسجد جامع به گوش مردم برسد. همچنین با پیگیری‌های مداوم و خستگی‌ناپذیر وی کلیه موقوفات این مسجد احیا گردید و چه بسیار موقوفاتی که به کلی از بین رفته و یا دیگران تملک کرده بودند و یا در خیابان افتاده و شهرداری مبلغی بابت آن نداده بود به مصرف اصل خود بازگرداند.

۲. حفاظت از میراث فرهنگی

مرحوم وزیری در حفظ و حراست از میراث فرهنگی بسیار کوشا بود و هر کجا اثری از کتب خطی نفیس می‌دید سر از پا نمی‌شناخت تا آن اثر را از خطر نابودی برهاند. جناب آقای محمدرضا انتظاری مدیر کتابخانه وزیری یزد می‌گوید:

«روزی حاجی آقا وزیری برای عیادت به منزل یکی از دوستانشان که مریض بوده می‌روند در تالار منزل او نشسته بودند که فرزند صاحب خانه با بسته‌ای وارد می‌شود وقتی به حاجی آقا می‌رسد حاج آقا آن بسته را که لفافه‌اش چند برگ کاغذ بوده است می‌بینند می‌فرمایند فلانی بسته را که باز کردی و چیزهای داخل آن را به زمین گذاشتی کاغذهایش را برای من بیاور زیرا این کاغذها اوراق یک کتاب خطی است. آن جوان به آشپزخانه می‌رود و پس از مراجعت کاغذها را خدمت حاج آقا می‌آورد ایشان نگاه می‌کنند می‌بینند کاغذها قدری چرب و خونی است می‌فهمند که گوشت داخل آنها بوده است، سؤال می‌کنند گوشت را کجا خریده‌ای؟ می‌گویند مغازه‌ای که در بازارچه نزدیک منزل ماست. حاج آقا فوراً از جای خود برخاسته خداحافظی می‌کنند و می‌گویند کاغذها سه برگ اول یک کتاب خطی است می‌روم تا اگر بقیه کتاب وجود دارد آن را بخرم

ادامه در صفحه بعد

جوان می‌گوید اجازه بفرمایید من می‌روم و کتاب را می‌گیرم حاجی آقا می‌فرمایند نه خودم باید بروم فوراً به اتفاق جوان مزبور به مغازه قصابی می‌روند. حاج آقا به قصاب می‌فرمایند کتابی که سه برگ آن را لُفّاف گوشت این جوان کرده‌ای کجا است؟ آن را می‌آورد و به حاج آقا می‌دهد ایشان خوشحال می‌شوند که فقط همین سه برگ از کتاب کنده شده است می‌پرسند قیمت این کتاب چقدر است؟ قصاب جواب می‌دهد حاج آقا قابلی ندارد. حاج آقا اصرار می‌کنند او می‌گوید بنده این کاغذ کهنه‌ها را کیلویی پنج ریال خریده‌ام. حاج آقا کتاب را برداشته و سه برگ کنده شده را روی آن می‌گذارند و به کتابخانه می‌آورند و به صحاف کتابخانه سفارش می‌کنند که کتاب را به خوبی صحافی کند. صحاف هم پس از صحافی و تجلید به کتابدار تحویل می‌دهد که اکنون در مخزن کتب خطی کتابخانه نگهداری می‌شود»۷.

از دیگر خدمات مرحوم وزیری در حفظ میراث فرهنگی کشور اقدامات همه جانبه و پیگیر آن مرحوم در حفاظت از تکیه امیر چخماق یزد است که به واسطه قرار گرفتن در مسیر خیابان قرار بود تخریب شود. همان بنایی که هم اکنون نماد شهر یزد شناخته می‌شود و در اکثر عکس‌ها و پوستره‌های مربوط به یزد تصویری از آن یافت می‌شود و یکی از میدان‌زیبای شهر یزد می‌باشد. معروف است مرحوم وزیری وقتی متوجه قصد متولیان و شهرداری و شهر یزد می‌شود، همگان را بسیج می‌کند و حتی به یونسکو هم نامه می‌نویسد و از آنان برای حفظ این بنای تاریخی مدد می‌جوید و در نهایت موفق به حفظ ابن میراث ارزشمند می‌شود. این میدان هم اکنون به صورت میدانی بسیار زیبا و با شکوه باقی مانده است که دیدارهای مهم مسئولان کشوری با مردم در این میدان برگزار می‌گردد.

۳. تشکیل جامعه مسلمین یزد

در سال ۱۳۲۷ حادثه هولناکی در شهرستان ابرکوه یزد به وقوع پیوست که بسیار دلخراش و فجیع بود. بدین صورت که زنی مستمند با پنج فرزند یتیمش مورد تهاجم بهائیان قرار گرفته و ناجوانمردانه با ضربات بیل و کلنگ به قتل می‌رسند به طوری که خون و مغز سر آنان به در و دیوار اتاق محل سکونتشان پاشیده شده بود. در آن روزگار چون بهائیان نفوذ قابل ملاحظه‌ای در دستگاه دولت و رژیم پهلوی داشته و بسیاری از سران حکومت رسماً ادعای بهایی گری می‌کردند، تلاش می‌شود که قاتل یا قاتلین از مجازات رهایی یابند و حتی زنی بهایی در هندوستان مبلغ بیست میلیون ریال از ثروت خود در آن روزگار را اختصاص به رهایی مجرمین داده بود ولی مرحوم وزیری با ایجاد شکل جامعه مسلمین یزد شروع به مکاتبهٔ و نامه نگاری و تلگراف زدن به بزرگان و علمای سراسر کشور نموده و نامه‌ای سرگشاده در روزنامه محلی یزد منتشر می‌کند و کلیه هیئت‌های مذهبی و اصناف شهر یزد را دعوت نموده و بر علیه حکومت یزد بسیج می‌کند. با اقدامات مرحوم وزیری ده تن از وکلای مبرز و طراز اوّل دادگستری‌تهران وکالت از پرونده مذکور را در دادگاه بر عهده گرفته و با دخالت مستقیم مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، حکم به مجازات قاتلین داده می‌شود و قاتلین در میدان امیر چخماق یزد در ملاء عام اعدام شده و هواداران آنها نیز مجبور به مهاجرت دائمی از این شهر می‌شوند.

۴. تأسیس انجمن وعاظ یزد

یکی دیگر از اقدامات مرحوم وزیری که می‌توان آن را در راستای توصیه حضرت امام به وی دانست تأسیس انجمن وعاظ یزد است. پس از خروج رضاشاه از کشور و اشغال کشور توسط متفقین، هجمه بسیار شدیدی علیه دین و مذهب به راه افتاده بوده به طوری که حضرت امام در جواب سؤال مرحوم حاج سید احمد خمینی از ایشان که می‌پرسد چرا در کتاب کشف اسرار اینقدر عصبانی هستید، می‌فرمایند.

«آن موقع تو نبودی که چه توهین هایی به اسلام می‌شد»۸.

و در یادداشت خود در دفتر مرحوم وزیری نیز به گوشه‌ای از این توهین‌ها اشاره می‌کنند. مرحوم وزیری برای مقابله با این هجوم همه جانبه اقدام به مشکل نمودن وعاظ یزد نموده و هر هفته آنان را دور

هم جمع می‌کند تا برای رفع اشکالات و برنامه ریزی جهت تبلیغات بهتر، هماهنگی کنند. همچنین در این انجمن برای رسیدگی به وضع تبلیغ در شهرستان‌ها و روستاها نیز برنامه ریزی می‌شد و سعی می‌کنند امر تبلیغ دین را ساماندهی کنند. حتی مرحوم وزیری خدمت حضرت آیت‌الله بروجردی رسیده، و پیشنهاد ساماندهی به وضع تبلیغ در خارج از کشور می‌دهد و نظر موافق ایشان را برای اعزام مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین محقق لاهیجی به آلمان و تأسیس مرکز بزرگ اسلامی هامبورگ جلب می‌نماید. به طوری که می‌توان گفت تأسیس این مرکز در قلب اروپا از باقیات الصالحات مرحوم وزیری یزدی است.

مرحوم وزیری با همکاری افراد این انجمن اقدام به پایه گذاری مراسم سیزدهم محرم در مسجد ملا اسماعیل یزد می‌کند. این مراسم که در نوع خود بدیع بوده و منحصر به استان یزد می‌باشد، مراسمی است که برای سومین روز دفن سید الشهداء در نظر گرفته شده و کلیه هیئات عزاداری از سراسر استان در این روز در این مجلس حضور یافته و همبستگی خوبی بین همه عزاداران به وجود می‌آورد. ویژگی جالب این مراسم آن است که در این مجلس روحانیون و وعاظ یزد میزبان مردم عزادار بوده و پذیرایی با قهوه و چایی توسط روحانیون با لباس روحانیت انجام می‌شود که در نوع خود جالب است و باعث تحجیب قلوب و ترفیع جایگاه روحانیون در بین مردم می‌شود. مرحوم وزیری با این اقدام خود توانست این مسجد عظیم را نیز در یزد در کنار احیای مسجد جامع از غربت بیورن بیاورد به طوری که بعد از پیروزی انقلاب نماز جمعه شهر یزد در مسجد ملا اسماعیل برگزار می‌گردد. از دیگر اقدامات این انجمن دعوت از مرحوم آیت‌الله شهید صدوقی به یزد بود که مرحوم وزیری در استقبال از مرحوم شهید صدوقی در سال ۱۳۳۲ هـ ش سنگ تمام گذاشت و همه روحانیون و مردم یزد را بسیج نموده در استقبال از ایشان به خارج از شهر بیایند. حجت الاسلام والمسلمین سید احمد دعایی در این باره می‌گوید:

«مردم یزد غیر از اهل علم کمتر حضرت آقای

* مرحوم وزیری جدا از اینکه خود مبلغی کم نظیر بود و در فن خطابه و حسن سلیقه منبر نمونه بود، سعی می کرد هر روحانی تازه واردی به شهر را تحویل بگیرد و از او تمجید کند و به مردم معرفی نماید.

* خدمات مرحوم وزیری اختصاص به مردم یزد نداشته بلکه ابنیه و امکانات متعددی در شهرهای مختلف نظیر زاهدان، جیرفت و روستاهای اطراف یزد تأسیس نمود که عمران و آبادانی این مناطق محروم را به دنبال داشت.

صدوقی را می‌شناختند وقتی مرحوم صدوقی با آن استقبال بی سابقه وارد یزد شدند.اوّل ورود به یزد تا منزلی که نزول اجلال کردند ده‌ها مرتبه مرحوم وزیری در اجتماع مردم آیت‌الله صدوقی را معرفی و از مقام مقدس روحانیت تجلیل به عمل آروند»۹.

مرحوم وزیری جدا از اینکه خود مبلغی کم نظیر بود و در فن خطابه و حسن سلیقه منبر نمونه بود، سعی می‌کرد هر روحانی تازه واردی به شهر را تحویل بگیرد و از او تمجید کند و به مردم معرفی نماید تا منبر او رونق بگیرد و در کارش موفق باشد.

از دیگر اقدامات مرحوم وزیری با همکاری انجمن وعاظ یزد تکریم و بزرگداشت از علما و بزرگان شهر بود. وی هنگامی که مطلع شد آیت‌الله حاج میرزا سید علی مدرسی لب خندقی که از علمای بزرگ و زهاد به نام زمان بود مرحوم شده است با آن که آن روز برف سنگینی باریده و هوا بسیار سرد بود و مصادف با روز عاشورا بود بلافاصله خودش در حالی که روی منبر بود مجلس را تعطیل نموده و مردم را برای تشییع جنازه دعوت می‌کند و به همه مجالس عزاداری دیگر نیز پیغام می‌دهد مجالس را تعطیل و عموم مردم را در آن هوای سرد و شرایط نامساعد در مراسم تشییع حاضر می‌کند. مرحوم وزیری در این مراسم ضمن برشمردن مقامات عالیه علمی و دینی و اخلاقی این مرد بزرگ تشییع

جنازه باشکوهی که کمتر سابقه داشت برگزار می‌نماید همچنین در زمانی که خبر درگذشت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ غلامرضا فقیه خراسانی در روستای ییلاقی طرزجان (در ۶۰ کیلومتری یزد) را به اطلاع او می‌رسانند، وزیری با هماهنگی وعاظ، مردم را برای تجلیل از ایشان دعوت نموده به طوری که شهر یزد تعطیل می‌شود و جنازه آن مرحوم را مردم بر روی دست از طرزجان تا یزد تشییع نموده و استقبال بی نظیری در طول مسیر و بیرون از دروازه شهر از جنازه آن مرحوم به عمل می‌آید و مراسم باشکوهی بدین مناسبت برگزار کردند.

۵. جامعه تعلیمات اسلامی

از دیگر خدمات بدیع و ماندگار مرحوم وزیری به مردم یزد تأسیس جامعه تعلیمات اسلامی بود که در ابتدا نیز با مخالفت مقدسین و متحجرین روبرو شد ولی مرحوم وزیری با کسب اجازه از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی و همکاری گروهی از خَیرین اقدام به تأسیس آن نمود. وی با گردآوری کادری مجرب و کاردان و متعهد فضای مناسبی برای آموزش و پژوهش فرزندان مردم از ابتدای دوره دبستان تا انتهای دبیرستان تأسیس نمود. این مدرسه که ابتدا از منزلی کوچک و اجاه‌ای آغاز شد تا اکنون هزارها انسان متعهد و متخصص مسلمان به جامعه اسلامی تحویل داده است. به طوری که اکثریت مسئولان استانی و مسئولان کشوری اهل یزد پس از پیروزی انقلاب تربیت شده این مرکز اسلامی بوده و هستند و این مدرسه توانست پایه گذار چندین مجتمع آموزشیگاهی در سطح استان یزد باشد. در حال حاضر جناب آقای علی اکبر رئوف مدیر مدرسه جامعه تعلیمات اسلامی منصوب از سوی مرحوم وزیری تاکنون سه مجتمع بزرگ با کلیه امکانات به نام حضرت سید الشهداء شامل مدارس دخترانه و پسرانه از پیش دبستانی تا دبیرستان در استان یزد تأسیس نموده است و بر اثر همین دست اقدامات است که قریب به بیست سال استان یزد بالاترین رتبه قبولی دانشگاه را در سطح کشور در اختیار دارد. این مدارس در کنار تربیت اسلامی دانش‌آموزان، در دوران مبارزه در خدمت اهداف امام و انقلاب نیز بوده است. به عنوان نمونه در گزارش مأمور ساواک در سال ۱۳۴۲ می‌خوانیم:

«دستگاه مدرسه اسلامی یزد ودار و دسته تعلیمات اسلامی سالهاست که این مؤسسات را ترتیب داده‌اند تا برای چنین روزی اقدامات خود را انجام دهند، گویا دانش‌آموزان مدرسه تعلیمات اسلامی یزد را جهت مراسم مخصوص برای همین چند روز تربیت کرده‌اند»۱۰.

۶. تأسیس کتابخانه وزیری یزد

یکی دیگر از آثار ماندگار و بدیع مرحوم وزیری احداث کتابخانه وزیری است. لازم به ذکر است ساخت کتابخانه و مدرسه در زمان حاضر امری عادی است ولی مرحوم وزیری در زمانی به این فکر افتاده که کمتر کسی در فکر این کارها بوده و کوچکترین امکانات عمومی و اختصاصی هم وجود نداشته است. این کتابخانه که در حال حاضر کم نظیر و در عصر و زمان خود بی نظیر بوده است، حاوی چندین هزاران نسخه خطی است و یکی از ذخایر بزرگ فرهنگ شیعی به شمار می‌رود. وی برای تأسیس و گردآوری منابع این کتابخانه تلاش فوق العاده‌ای انجام داد و حتی در سفرهایی که به خارج از کشور می‌رفت تنها سوغاتی که می‌آورد کتاب بود و هر کس هم از او می‌خواست چه چیزی برایتان سوغاتی بیاورم، می‌گفت کتاب برایم بیاور. وی در این مسیر با اساتید دانشگاه و بزرگان علم و ادب در سراسر کشور و حتی خارج از کشور مکاتبه نموده و از آنان درخواست کتاب می‌نمود. و به هر زبانی که می‌توانست برای غنی‌تر نمودن کتابخانه همه را تشویق می‌نمود. مرحوم دکتر ایرج افشار در خصوص کتابخانه وزیری می‌نویسد:

«همتی قابل تحسین در جمع آوری نسخ خطی و کتب چاپی پراکنده در یزد مصروف کرد. هر کجا که کتابی سراغ می‌گرفت بدان جا می‌رفت و با سماجت در به دست آوردن آن کتاب سعی می‌کرد. اگر نمی‌توانست که کتاب را به رایگان بگیرد آن را یا شخصا و یا از محل وجوهی که در اختیار داشت می‌خرید و بر گنجینهٔ کتابخانه می‌افزود. بالاخره کتابخانه را به وضع کنونی رسانید. این کتابخانه در حال حاضر دارای کتب چاپی و نسخ خطی متعدد و مقادیری سند و فرمان و نوشته‌های

دیگر تاریخی است. این خدمت را ارزشی است معنوی که در خور تقویم و تخمین مالی نیست. پنج جلد از فهرست کتب خطی این کتابخانه توسط آقای محمد شیروانی فاضل گرا نماید، به اعانه انجمن آثار ملی چاپ شده است»۱۱.

وی این کتابخانه را پس از به کمال رسانیدن به آستان مقدس امام هشتم علی بن موسی الرضا سپرد و وقف آن نمود که به حمدالله هم اکنون به صورت بسیار مناسب آبرومندانه‌ای توسط آن مرکز اداره می‌شود.

۷. انجمن ادبی یزد

قبلاً گفتیم مرحوم وزیری دارای طبعی روان و حافظه بسیار قوی بود و اشعار زیادی از حفظ داشت و از این نعمت خدادادی به حد اعلی در منابر و مجالس خود استفاده می‌کرد و سخن یا عملی نبود که از افراد سربزند و مرحوم وزیری با شعری آن را بدرقه نکند و در انتخاب مناسب اشعار بسیار خوش سلیقه بود. مرحوم وزیری با این اندوخته و ذوق شعری اقدام به تشکیل انجمن ادبی یزد نمود و هر هفته شعرا و مفاخر ادبی شهر را گرد هم جمع می‌کرد تا افراد تازه‌های ادبی خود را قرائت نمایند. این انجمن بعداً مرکز یزدشناسی را تأسیس نموده و موفق به چاپ آثار زیادی از مفاخر یزد شده و پاسداشت مفاخر فرهنگی یزد را بر عهده دارند.

۸. سایر خدمات

مرحوم وزیری در کنار این خدمات اساسی به امور دیگر مردم نیز رسیدگی می‌کرد. وی گروهی را برای گردآوری اطلاعات خانواد‌ای نیازمند و نوع گرفتاری آنها متشکل کرده بود تا ضمن حفظ آبروی اشخاص برای رفع گرفتاری آنها اقدام کنند و همه نوع امکانات از تهیه ذغال و لحاف و لباس گرفته تا غذا و دارو برای نیازمندان تهیه می‌کرد و حواله صادر می‌کردند تا آنها بتوانند به راحتی و بدون شناخته شدن مایحتاج خود را تهیه کنند. همچنین طلاب و دانش‌آموزان و دانشجویان مستعدی که وضع مالی خوبی نداشتند شناسایی می‌کرد و تحت پوشش حمایتی قرار می‌داد. این حمایت‌های مرحوم وزیری همواره با انواع تشویق و اهداء سکه در مراسم و جشن‌های مفصلی بود که به هر مناسبت خصوصاً در جشن سوم شعبان روز میلاد امام حسین (ع) – که هر ساله جشن مفصلی برگزار می‌نمود – انجام می‌داد.

خدمات آن مرحوم اختصاص به مردم یزد نداشته بلکه ابنیه و امکانات متعددی در شهرهای مختلف نظیر زاهدان، جیرفت و روستاهای اطراف یزد تأسیس نمود که عمران و آبادانی این مناطق محروم را به دنبال داشت.

سال‌های پایانی عمر آن مرحوم با کسالت شدید وی همراه بود و همواره مردم یزد مجالس دعا برای سلامتی او برگزار می‌کردند و حتی در مجلسی که در نجف اشرف برای سلامتی وی برپا شده بود مرحوم آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم نیز شرکت نمود. وی بالاخره در سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ هـ ش دعوت حق را لبیک گفته و به سوی معبود شتافت و پیکرش پس از تشییع جنازه با شکوه در جوار مسجد جامع و کتابخانه وزیری به خاک سپرده شد. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

پاورقی

۱- صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۷

۲- صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۳

۳- سیمای فضیلت، ص ۷۱

۴- همان، ص ۶۰

۵- همان، ص ۷۲

۶- همان، ص ۱۱۵

۷- همان، ص ۸۶ _ ۸۵

۸- با په پای آفتاب ج ۱، ص ۷۰

۹- سیمای فضیلت، ص ۲۴

۱۰- سیمای فضیلت، ص ۱۳۲

۱۱ سیمای فضیلت، ص ۷۲

مهدی حاضری

منبع:جمهوری اسلامی

۱۰ بهشت	شماره ۳
◄ تقریب ►	شماره مسلسل ۱۴۵۰
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com	

بیانیه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در محکومیت هتک حرمت قبر صحابی پیامبر اکرم(ص)

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در محکومیت جنایت هتک حرمت مرقد مطهر حجر بن عدی، صحابی بزرگ پیامبر اسلام(ص) بیانیه‌ای صادر کرد.

در بیانیه مجمع جهانی تقریب آمده است:
وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجْجِكُ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُ الْخِصَامِ، وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَاسَادَ. (البقرة ۲۰۴-۲۰۵)

یکبار دیگر دستان گناه‌آلود دشمنان، با اهانت به حجر بن عدی، که از پاک‌ترین صحابه رسول گرامی اسلام(ص) بود، حرمت اسلام و پیامبر عظیم الشان (ص) را خدشه دار کرد و قبر مطهر ایشان را شکافته و به پیکر پاک ایشان بی‌حرمتی کرد. این جنایت، حلقه دیگری از زنجیره اهانت‌ها به دین اسلام و پیامبر اعظم(ص) است.

دستانی که این جنایت را مرتکب شدند، همان دستانی هستند که جنایت اهانت به قرآن کریم و پیامبر اسلام(ص) و همسران و اهل بیت مطهر ایشان و صحابه بزرگوارشان را در سلسله جنایات خود ثبت کرده اند. این جنایات با کتاب «آیات شیطانی» و اهانت سلمان رشدی به دین اسلام آغاز و با کاریکاتورهای موهن به پیامبر اسلام(ص) ادامه یافت. پس از آن فاجعه قرآن سوزی و سپس تخریب قبور امامین عسکریین(ع) در سامرا که از فرزندان رسول خدا(ص) بودند رخ داد و چندی بعد قبور صالحان و علمای امت حضرت محمد (ص) و اولیای مقرب خداوند در مناطق مختلف بلاد اسلام مورد تخریب و هتک حرمت قرار گرفت تا اینکه به این جنایت بزرگ منتهی شد؛ به طوری که تاریخ انسانیت تا کنون همانند این جنایت شرم آور را شاهد نبوده است.

این جنایت چهره حقیقی این مجرمان را فاش ساخت و نشان داد که اینان نسبتی با اسلام و امت اسلامی ندارند؛ اینان دست پرورده صهیونیست‌ها و دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا هستند. اینان همان مفسدانی هستند که در زمین فساد می‌کنند و اصلاحی انجام نمی‌دهند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی این جنایت بزرگ را به شدت محکوم می‌کند و به تمام مسلمانان به ویژه علما و نجیبان و فرهیختگان در سراسر جهان اسلام اعلام می‌دارد که نسبت به خطر افراطی‌گری و تکفیر که بذر آن از سوی استکبار و صهیونیسم جهانی در سرزمین‌های اسلامی پاشیده شده است آگاهی بیشتری داشته باشند و در یک صف در مقابل جریان تکفیری تخریب‌گرانه بایستند چرا که دستگاه‌های اطلاعاتی صهیونیسم و استکبار، این جریان را برای مقابله با امواج بیداری اسلامی و شکستن قدرت و شوکت مسلمانان و مشغول کردن آنان به فتنه‌های مذهبی و جنگ‌های داخلی ابداع کرده‌اند تا همچنان راه صهیونیست‌ها و هم‌پیمانانشان برای ادامه اشغال فلسطین و کشتار بی‌گناهان باز باشد.

از خداوند متعال می‌خواهیم که مسلمانان سراسر کره زمین را بر دشمنانشان یاری فرماید و به فرزندان مقاومت اسلامی توان و قدرت و ثبات بیشتری عطا نماید و صهیونیست‌های تجاوزگر را نابود کرده و آنان را خوار نماید و شر آنان و هم‌پیمانان تکفیری‌شان را از کشورهای اسلامی دور کند. از خداوند متعال خواستاریم که به امت اسلامی به ویژه دوستان ما در جبهه مقاومت و پایداری سوریه امنیت و آرامش و صلح و صفا عنایت فرماید.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

آیت الله «محسن اراکی» دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی طی جلسه‌ای با عنوان «کمیته مشترک همکاری راهبردی بین مجلس شورای اسلامی و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» میزبان تنی چند از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بود.

وی در این دیدار با اشاره به اوج گرفتن فتنه مذهبی در کشورهای اسلامی خاطرنشان کرد: اگر ما دیروز خطر فتنه مذهبی را گوشزد می‌کردیم، امروز این خطر بالفعل شکل گرفته و دشمن همه سرمایه و توان خود را برای ایجاد این فتنه به کار گرفته است، فتنه ای که همه چیز را می‌سوزاند و تر و خشک را در بر می‌گیرد، به طوری که حتی انسان‌های خردمند نیز برای حل این فتنه سرگردان می‌مانند.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با بیان اینکه این فتنه از لحاظ گستردگی و آثار سوئی که در پی دارد، بسیار خطرناک است، خاطرنشان ساخت: در هیچ جای تاریخ نداشتیم که پدری دستور سربریدن فرزند خود را صادر کند، این جنایت در تاریخ بی سابقه بوده و کسانی که به جان جامعه اسلامی افتاده‌اند از این دست هستند.

آیت الله اراکی با بیان گستردگی اقدامات آنان افزود: این دشمنان در عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس و با امکاناتی که آمریکا و انگلیس و دستگاه‌های استخباراتی در اختیار آنان قرار می‌دهند، افرادی را برای ایجاد فتنه در داخل کشور ما تربیت می‌کنند. وی تأکید کرد: ما امروز با چنین توطئه‌ای دست به گریبانیم و هدف اصلی از این فتنه مذهبی، ایجاد درگیری مذهبی در داخل کشور ماست.

دبیرکل مجمع تقریب در ادامه افزود: مأموریتی که مقام معظم رهبری در حکم دبیرکل جدید مجمع تقریب بر آن تأکید داشتند، یعنی دیپلماسی وحدت اسلامی و زمینه سازی برای ایجاد امت واحده، مأموریت سنگینی

نگاهی به واکنش علمای الازهر به تخریب و نش قبر «حجر بن عدی» نشان می‌دهد همگان این اتفاق را به دور از عرف اسلام و انجام‌دهندگان این عمل را خارجی قلمداد می‌کنند.

به گزارش فارس در ادامه محکوم کردن تخریب و نش قبر «حجر بن عدی» صحابی جلیل امیرالمومنین(ع)، هرچند مقامات بلندمرتبه در الازهر همچنان درباره این حادثه سکوت اختیار کرده‌اند اما علمای این دانشگاه بزرگ اسلامی این اقدام را محکوم کرده‌اند.

عبدالشافی: علمای سوریه با مشارکت الازهر برای حل مسئله سوریه دور هم جمع شوند
از جمله این افراد «دکتر ابراهیم عبدالشافی»، رئیس سابق دانشکده مطالعات اسلامی و عربی دانشگاه الازهر بود که با تأکید بر اینکه اسلام انواع اشکال خشونت و تروریست، گفت: آنچه که بر قبر این صحابی جلیل رخ داده است هجمه به اسلام است و هدف آن ایجاد تفرقه مذهبی در سوریه همچون عراق است، تفرقه‌ای که جز آمریکایی‌ها از آن سود نبرند.

وی با بیان اینکه شعله‌ور کردن فتنه مذهبی هیچ سودی جز برای صهیونیست‌ها ندارد، افزود: اختلافی بین علمای شیعه و سنی درباره زیارت صریح صحابی وجود دارد که به برخی از تندروها رسیده و معتقد شده‌اند که این زیارت شرک به خدا است اما نیاز به اندیشه و دقت در طرح و فهم این مسئله است.

این عالم ازهری با بیان اینکه نباید آیات قرآن درباره کفار و مشرکان را بر شیعیان تطبیق داد، تأکید کرد: شیعیان مسلمان و موحد هستند.

وی افزود: بسیاری از مصری‌ها صریح اهل‌البیت(ع) و صالحان را زیارت می‌کنند و این زیارت از جایگاه حب و عشق به آنها و نه عبادت است و زیارت مسجد امام حسین(ع) یا سیده زینب در قاهره نافی حج و روزه و نماز نیست.

عبدالشافی خواستار اجتماع علمای اهل حل و عقد

است که تنها مجمع تقریب نمی‌تواند این بار را بردارد، بلکه مأموریت کل نظام است که باید در این عرصه کاری انجام دهد.

آیت الله اراکی در پایان پیشنهادهاتی را در جهت استفاده از ظرفیت عظیم مجلس شورای اسلامی و عملیاتی کردن همکاری متقابل با مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، خدمت نمایندگان حاضر در جلسه ارائه کرد.

این پیشنهادات در دو بخش «ظرفیت‌های مستقیم مجلس شورای اسلامی (دیپلماسی پارلمانی)» و «ظرفیت‌های غیر مستقیم ارائه شد.
پیشنهادات آیت الله اراکی در بخش اول شامل استفاده از ظرفیت‌های نمایندگان محترم اهل سنت در جهت تقریب، فعال نمودن گروه‌های دوستی پارلمانی کشورهای اسلامی، فعال نمودن فراکسیون تقریب مذاهب اسلامی، پیگیری ایجاد کمیته تقریب مذاهب اسلامی در بین المجالس اسلامی یا شروع اولیه با چند مجلس از کشورهای اسلامی مانند (پاکستان، افغانستان، ترکیه، عراق، لبنان، مصر، تونس و...)، استفاده از ظرفیت بخش بین الملل از جمله: بین المجالس اسلامی، دبیرخانه مجمع پارلمانی آسیایی، کمیته فلسطین و اتحادیه بین المجالس کل کشورها، و استفاده از ظرفیت‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بود.

این پیشنهادات در بخش دوم نیز شامل: پشتیبانی قانونی در جهت ارتقای جایگاه مجمع، ارتقای سطح بودجه مجمع با توجه به گسترده شدن فعالیت‌های تقریبی (و ضد تقریبی توسط استکبار) و پشتیبانی از ایجاد کمیته عالی تقریب در شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی با دبیری مجمع تقریب می‌باشد.

پس از ارائه این پیشنهادات از سوی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی حاضر در جلسه با ارائه گزارش

اوج گرفتن فتنه مذهبی در کشورهای اسلامی

مختصری در خصوص وضعیت اهل سنت داخل کشور، آمادگی خود را برای تحقق این پیشنهادات اعلام کردند.
نمایندگان همچنین تأکید کردند که برای تحقق دیپلماسی وحدت و ایجاد امت واحده، از یک سو دستگاه دیپلماسی ما یعنی وزارت امور خارجه باید فعال باشد و از سوی دیگر، رایزنی‌های فرهنگی در خارج از کشور، به سوی فعال کردن ظرفیت تقریب سوق داده شوند و بجای طرح مسائل پیش‌پا افتاده ادبی و هنری، مسئله تقریب را در خارج از کشور جا بیندازند.

دکتر شیب جویجری، معاون امور راهبردی، دولت و مجلس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نیز در پایان، هدف از برگزاری این نشست را استفاده از ظرفیت‌های بالفعل مجلس شورای اسلامی در جهت تحقق دیپلماسی وحدت و ایجاد امت واحده که مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند، عنوان کرد.

شایان ذکر است در نشست «کمیته مشترک همکاری راهبردی بین مجلس شورای اسلامی و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» که با هماهنگی معاونت امور راهبردی، دولت و مجلس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی برگزار شد، نمایندگان مجلس شورای اسلامی از جمله: حجت‌الاسلام و المسلمین آقا تهران‌ی؛ نماینده مردم تهران و رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس، دکتر علاء الدین بروجردی؛ نماینده مردم بروجرد و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، دکتر کاظم جلالی؛ نماینده مردم شاهرود و رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دکتر سید احمدرضا دستغیب؛ نماینده مردم شیراز و نایب رئیس اول کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، مهندس سید مهدی هاشمی؛ نماینده مردم تهران، دکتر شیخ الاسلامی؛ مشاور رئیس مجلس و دبیرکل امور بین الملل و دکتر لاله افتخاری؛ نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شواری اسلامی حضور داشتند.

واکنش علمای الازهر به نش قبر «حجر بن عدی»

جهانی علمای مسلمان که ریاست آن را شیخ یوسف القرضاوی برعهده دارد، برخلاف نظر رئیس خود، گفت: کسانی که اقدام تخریب و نش قبر صحابی رسول اکرم(ص) را انجام داده‌اند هیچ رابطه‌ای با اسلام ندارند؛ اسلامی که انسان را چه مرده و چه زنده احترام می‌کند.

انتقاد روحانی اهل سنت مصری از سلفی ها

«عبد الرحمن بن محمد لطفی»در مقاله ای که تحت عنوان«به شیعیان برای سفر به مصر خوشامد می گویم» با استقبال از حضور شیعیان در مصر ادعای سلفی ها مبنی بر گسترش تشیع توسط شیعیان را رد و تأکید کرد: امام خمینی(ره) از حاکمان عرب از جمله سادات و مبارک و...التزام بیشتری به اسلام داشت چون به عنوان مثال وقتی که یک روزنامه نگار زن ایتالیایی برای انجام مصاحبه با وی حاضر می شود از گفتگو با وی خودداری کرد تا زمانی که بدن و سر خود را به طور کامل بپوشاند.

وی با انتقاد از تبلیغات ضد شیعی و اتهام زنی به آنها، بیان داشت: آنهایی که شیعیان را به تحریف قرآن و عقیده آنها در مورد ارتداد صحابه متهم می کنند دروغ می گویند چون علمای شیعه این ادعا را رد می کنند و اغلب قرآن هایی که در دستان آنان است چاپ عربستان سعودی می باشد و همچنین امام خمینی به پیروان مذهب شیعه فرمان داده است تا پشت سر امام مسجداالحرام نماز گزارند.

این عالم اهل سنت مصری در ادامه مقاله خود با انتقاد از هراس افکنی سلفی ها نسبت به سفر ایرانیان و شیعیان به مصر، خاطرنشان کرد:اقدامات و مواضع اخیر آنها که پیش از این با آن مخالف بودند از جمله مشارکت در فعالیتهای سیاسی و تالسیس احزابی که قبلا آن را حرام عنوان می کردند، غیر قابل قبول است.

ابتکار عمل نوین مجمع جهانی تقریب مذاهب

در شرایطی که تلاش برای بحران آفرینی در نقطه نقطه جهان اسلام محور اهتمام قدرت های جهانی و عوامل منطقه ای آنان جای دارد و امت اسلامی در معرض تهدید جدی گسیختگی و از هم پاشیدگی قرار گرفته و مناطق بحران خیز در گوشه گوشه جغرافیای پهنای پهنای اسلامی در حال پیدایش و گسترش است، چه کسانی باید برای فرونشاندن آتش اختلافات و مهار کردن کانون های بحران و خاموش ساختن شعله های فتنه به حرکت در آیند، و با بیدار کردن امت از خواب غفلت و اعلام خطر به آن ها در صدد دور کردن خطرات از کیان امت اسلامی برآیند؟

امروزه بر کسی پنهان نیست که دو جریان عمده با دو گفتمان متفاوت در صدد اثرگذاری بر سرنوشت امت اسلامی هستند.

نخست جریان تفکر تندرو و تفرقه طلب و تکفیری که در صدد ایجاد شکاف در درون امت اسلامی و تأمین منافع قدرت های استکباری با در پیش گرفتن گفتمان مذهبی و رویکرد اولویت دادن به شعله ور سازی جنگ بی پایان و خانمانسوز اختلاف مذهبی سنی/ شیعی و اختلاف عقیدتی سلفی و غیر سلفی و گسترش و صدور آن به سراسر جهان اسلام است.

دوم جریان اسلامی وحدت گرا با رویکرد توحید صف اسلامی و تأسیس کیان امت واحده و احیای تفکر دینی و ایجاد نهضت علمی و تمدنی اسلامی با گفتمان وحدت طلبی اسلامی و رویکرد مقاومت و مقابله با دشمنان اصلی جهان اسلام در سطح جهانی؛ استکبار امریکایی و صهیونیزم بین المللی و در سطح منطقه رژیم صهیونیستی است.

در حالی که جریان نخست در حال بحران سازی و مشکل آفرینی در گوشه و کنار جهان اسلام و در صدد واگرایی میان مسلمانان است، دغدغه جریان دوم مهار کردن کانون های فتنه و خاموش کردن آتش اختلافات و همگرایی میان امت است.

در این راستاست که نهاد مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با رویکردی تازه تصمیم گرفته است با حکما و اندیشمندان امت که دغدغه اسلام و امت اسلامی را دارند به پیروی از سنت پیامبر که همچون طبیبی « دَواَر بَطْبه » به سراغ مشکلات رفته و به معالجه امور می پرداخت، به سمت کانون های بحران و مناطق بحران خیز بشتابند، و هدایت امور را به سمت اصلاح ذات البین مهندسی کنند و سامان بخشند.

صلح، در جهان امروز متأسفانه قربانی مصلحت قدرت های بزرگ جهانی است و نظام جهانی بر محور قدرت و زورمندی استوار است و لذا هیچ صلحی که تأمین کننده منافع آنان نباشد، تحقق نمی یابد و صلحی هم که مبتنی بر منافع ابرقدرت ها باشد و نه عدالت دوامی ندارد، مگر آن که صلح مسلح باشد، اما صلحی که کمیته صلح اسلامی به دنبال آن است مبتنی بر عدالت و گذشت اسلامی است و بر اساس فرمان خداست که فرمود « ان الله یامر بالعدل و الاحسان » {خداوند فرمان بر عدالت و احسان می دهد } و بر همکاری بر محور نیکی و تقوا تأکید می کند « تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان » و البته آن چه که برای خدا باشد بدون شک پیش خواهد رفت و به نتیجه خواهد رسید.

از این روست که نخستین نشست کمیته صلح را در بیروت از سوی این مجمع به فال نیک می گیریم و آرزوی توفیق آن را داریم.

سید مرتضی نعمت زاده

نامه سرگشاده دبیر کل مجمع تقریب به قرضای:

به گذشته وحدت گرا و تقریبی خود برگردید

از مسائل جهان اسلام هم راستا با خواسته دشمنان اسلام است که تلاش دارند با ریختن نفت بر آتش و برانگیختن برخی طوایف مسلمانان بر ضد یکدیگر و دعوت به خونریزی فتنه انگیزی کنند.

آیت الله محسن اراکی در ادامه این نامه می افزاید: مواضع اخیر شما از مواضع گذشته نورانی تان که انتظار داریم همچنان ادامه یافته و در حل بحران های جهان اسلام و مقابله با درگیری مذهبی و وحدت بین مسلمانان نقش آفرینی کند، فاصله گرفته است؛ موضعی که می توانست در جهت رویارویی با دشمن بزرگ همه مسلمانان یعنی رژیم صهیونیستی که روز به روز بر طغیان و تجاوزاتش به سرزمین فلسطین افزوده می شود، به کار رود.

وی با درخواست از قرضای برای بازگشت به گذشته خود، خاطرنشان می کند: اینجانب و از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از شما می خواهم به گذشته خود

امام جمعه موقت سندج:

گروه های تکفیری آب در آسیاب دشمنان می ریزند

همگی نبش قبر انسان ها به ویژه قبور مسلمانان را حرام دانسته و این عمل گناهی کبیره محسوب می شود.

امام جمعه موقت سندج تصریح کرد: امروز جبهه استکبار مستأصل و درمانده شده اند و برای انحراف افکار عمومی جهان از شکست های متعدّدشان توطئه ای گسترده را علیه موج بیداری اسلامی به راه انداخته اند. ماموستا راستی خاطر نشان کرد: در این مسیر صهیونیسم جهانی با حمایت از گروه های تکفیری و متحجر سعی بر کندکردن موج بیداری اسلامی در منطقه کرده و با هتک حرمت به مقدسات مسلمانان می خواهند آنان را از مسیر تعالی و عزت روزافزون منحرف کنند.

وی افزود: مردم خاورمیانه بیدار شده اند و غیر از

مشاور رییس جمهور در امور اهل سنت:

عمل به سیره بزرگان دینی؛ تنها راه عملی کردن تقریب بین مذاهب اسلامی

جهانی خواهیم بود.

مولوی اسحاق مدنی تصریح کرد: آنچه امروز اسلام با آن شناخته می شود دو گروه شیعه و سنی و پیروان این دو مذهب بوده و اگر این دو گروه اختلافات خود را کنار گذاشته و از دستورات دین مبین اسلام پیروی کنند و از سیره و سلوک ائمه معصومین(ع) بهره ببرند پیروزی اسلام قطعی است.

وی اظهار داشت: از همان ابتدا اختلاف بین این دو گروه وجود داشته و یقیناً امروز نیز این اختلاف در مباحث مختلف وجود دارد لذا باید با مدیریت صحیح و بررسی نقاط اختلافی راه صحیح رفع این اختلافات را پیدا کنیم و در مسیر تقویت وحدت و انسجام جامعه اسلامی بکوشیم. وی در ادامه اظهار کرد: ما در اسلام حوادث تلخ

استقبال قابل توجه از کتاب «آفاق تقریبیه» در نمایشگاه بین المللی کتاب

کرد و گفت: کتابهای «بدایه المجتهد»، «کنزالعرفان»، «تحریر المجله» و «بیداری اسلامی» به زبانهای عربی و فارسی که از کتابهای منتشر شده در سالهای گذشته بوده نیز مورد استقبال بازدیدکنندگان و علاقمندان به بحث تقریب و وحدت اسلامی بود.

وی در بخش دیگری از این گفتگو تصریح کرد:امسال به دلیل مشکلاتی که در زمینه چاپ و نشر داشتیم، تیراژ کتابهای جدیدمان نسبت به سالهای گذشته کمتر بود ولی در عین حال به دلیل این که کتابهای ما از نظر موضوع و طرح مسائل جزء کتابهایی است که نیاز فعلی جهان اسلام را در بر دارد می توان گفت کتابهای مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در نوع خود بی نظیر بود و استقبال خوبی از این کتابها در دو بخش ناشران داخلی و بین الملل شد که در هر دو بخش غرفه داشتیم. حجت الاسلام والمسلمین اوحدی در ادامه به فروشگاه

آیت الله اراکی در نامه ای سرگشاده به یوسف قرضای خواستار بازگشت وی به گذشته تقریبی و و حدت گرای خود شد و تأکید کرد: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی آمادگی دارد با همکاری شما و علمای اسلامی در حل بحران ها و مشکلات جهان اسلام بکوشد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در این نامه با اشاره به گذشته تقریبی قرضای، بیان می دارد: پیش از این بارها سخنان وحدت گرای شما را که بر لزوم دوری از افراط گرایی و نهی از تکفیر مسلمانان و ریختن خون آنها و همچنین برانگیختن اختلافات بین آنها تأکید داشتید و تا پیش از دمیده شدن بادهای بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و شمال افریقا جریان داشت، شنیده بودیم و انتظار داشتیم این رویه و نقشتان را در انسجام امت اسلامی و حل اختلافات آنها به خوبی ایفا کنید، اما مواضع اخیرتان در قبال بسیاری

امام جمعه موقت سندج هتک حرمت به مقدسات اسلامی را محکوم کرد و خواستار هوشیاری مسلمانان در برابر توطئه های سلطه جویانه صهیونیسم جهانی شد. به گزارش تقریب از سندج، « ماموستا امین راستی » امام جمعه موقت سندج در اجتماع گسترده دانشجویان و اساتید اهل سنت و اهل تشیع کردستانی در مسجد جامع سندج اظهار داشت: کسی که به وحدانیت خداوند متعال، نبوت و روز رستاخیز اعتقاد داشته باشد هیچگاه به خود اجازه نمی دهد که به قبور و جنازه انسان ها اهانت کنند.

وی افزود: از دیدگاه همه مذاهب اسلامی از حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی گرفته تا مذاهب امامی گرفته

مشاور رییس جمهور در امور اهل سنت خواستار توجه بیش از پیش علما و روحانیون و اقشار مختلف مردم در خصوص عمل به سیره بزرگان اسلام و مبانی وحدت بخش در جامعه اسلامی شد.

«مولوی اسحاق مدنی» در مراسم یادبود شهید علامه سعید رمضان البوتی مفتی اعظم فقه شافعی سوریه که با حضور علما و روحانیون برجسته اهل سنت و اهل تشیع کشور در سندج برگزار شد، اظهار داشت: تداوم پیروزی و اقتدار امت اسلامی در گرو اصلاح اختلاف بین شیعه و سنی است.

وی افزود: اگر اختلاف و تفرقه بین دو گروه شیعه و سنی از بین رفته و این اختلافات اصلاح شود مسلماً شاهد اقتدار و عزت روزافزون مسلمانان در عرصه های

معاون فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از قرار گرفتن یکی از کتابهای تازه منتشر شده این مجمع در صدر پرفروش ترین کتاب غرفه مجمع تقریب در نمایشگاه کتاب امسال خبر داد.

حجت الاسلام والمسلمین اوحدی در گفتگو با تقریب اظهار داشت:سلسله کتاب «آفاق تقریبیه» در ۱۰جلد به دلیل موضوعات مطرح شده در آن و به علت این که این کتاب از انتشارات سال ۹۱ بود، به این مهم نایل شد.

وی افزود: علاوه بر این کتاب، کتابهای «شیعه شناسی اهل سنت بعد از انقلاب» و «اعادة کتابة التاريخ» نیز که از کتابهای منتشر شده آخر ما بوده، از کتابهایی بودند که با استقبال قابل توجه مراجعان به نمایشگاه کتاب امسال همراه بود.

معاون مجمع تقریب به دیگر کتابهایی مورد استقبال در بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، اشاره

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سر دبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفائیة) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۶۳۱۴۲۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

ماهیت تکفیری‌ها

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی جنایت و اهانتی که به صحابه نسبت به مرقد جلیل‌القدر، حجر بن علی صورت گرفت، جنایتی هولناک بود که پیشانی انسانیت از آن به عرق شرم نشسته و از سوی همه شریعت‌های آسمانی و نظام‌های حقوقی بشری محکوم و غیر قابل بخشش است.

نبش حقوق مؤمنان پی‌ریزه صحابه بزرگ پیامبر (ص)، اولیاء و شهدای گرانقدر اسلام از زشت‌ترین نوع هتک حرمت نسبت به مقدسات دینی و اسلامی بوده و از بزرگ‌ترین جنایات و گناهان کبیره به شمار می‌آید که عاملان آن مستحق اشد مجازات می‌باشند. امثال اینگونه حوادث که با رهبری و هدایت گروهی موسوم به «القاعده» و همفکران آنها از دیگر گروه‌ها انجام می‌شود از حقیقتی خطر پرده برمی‌دارد که بی‌شک باید همه مسلمانان به آن توجه و آن را درک کنند و آن، این است که اینگونه تحرکات ویرانگر تکفیری که با عنوان جهاد انجام می‌شود هرگز صیغه اسلامی ندارد بلکه فعالیت‌های خرابکارانه استعمارگران در کشورهای اسلامی است که در راستای بقا و امتداد خط شرم‌آور خوارج در تاریخ اسلام - که مسلمانان و صحابه و امیرالمومنین علی (ع) را کافر می‌نامیدند - صورت می‌گیرد.

اکنون نیز ادامه همان جریان، بذر تکفیر را در بلاد اسلامی پاشیده و مرتکب زشت‌ترین جنایات تحت پوشش عنوان جهاد در راه خدا می‌شوند در حالی که اسلام و مسلمانان از آنان و کردار ننگین‌شان بیزارند. حرکت انحرافی که امروزه مسلمانان گرفتار آن شده‌اند، مصلحت امت اسلام و وحدت و عزت آنان را تهدید و چهره مسلمانان را در برابر دنیا مخدوش می‌کند. برخی ویژگی‌های این گروه انحرافی که با نقاب اسلام پا به عرصه گذاشته، از قرار ذیل است:

اول) همچون خوارج در تاریخ صدر اسلام، هر کسی که افکار باطل‌شان را نمی‌پذیرد، متهم به کفر و بی‌دینی می‌کند.

نوم) آنان همچون خوارج زشت‌ترین و ننگین‌ترین جنایات و منکرات را که هیچ یک از شرایع آسمانی و قوانین انسانی نمی‌پذیرد، تحت عنوان جهاد مرتکب می‌شوند.

سوم) آنها وابسته و متکی به استکبار و کفر جهانی هستند و منافع و مصالح صهیونیست و دشمنان اسلام را جهان اسلام تأمین می‌کند.

چهارم) آنها با بکارگیری خشونت، ترور و کشتن افراد بیگناه، بذر فتنه و دشمنی و اختلاف را در پیکر امت اسلامی کاشته و با به نمایش گذاشتن اعمال ننگین‌شان در شبکه‌های ماهواره‌ای، چهره‌ای کریه و زشت از دین مبین اسلام در برابر جهانیان و اهل ادیان دیگر به معرض تماشا می‌گذارند.

با توجه به این نکات، بر هر یک از فرزندان غیرتمند اسلام فرض مسلم است که با دقت و جدیت متوجه این خطری که امت اسلامی را در بر گرفته، باشند و برای مقابله و دفع آن به پا خیزند و تلاش کنند تا امت اسلامی فریفته این جریان نگردند و از حرمت دین مبین اسلام و شکوه این امت مبارک دفاع کند.

باید با بیان نکاتی که ذکر شد و اینکه این جریان شوم بکلی از حقیقت جریان ناب و روح دین بیگانه است، به روشنگری بپردازند تا نفس پاک‌نهاد ما که در مسیر رشد

تعالی است هرگز دچار خدعه و نیرنگ آنها نگردد.

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا

حاشیه نویسی بر چند کتاب



و نازک‌اندیشی نویسنده، به خوبی و پختگی در متن جا گرفته است، و نیز صراحت و جرأت راوی در بیان گوشه‌هایی که عادتاً در بیان خاطرها نگفته می‌ماند؛ از ویژگی‌های برجسته این کتاب است. تنها نقضی که به نظر رسید، نپرداختن به نقش فداکارانه همسری است که تلخی‌ها و دشواری‌های زندگی با رزمندگی یک‌دنده و مجروح و شلوع را به جان خریده و دلاویزانه همراهی دشوار و البته پر آجر با او را پذیرفته است. ساعات خوش و با صفائی را در مقاطع پیش از خواب با این کتاب گذراندم و الحمدلله.

کتاب «نورالدین پسر ایران» روایتی از خاطرات نورالدین عافی از دوران هشت سال دفاع‌مقدس دارد که با کوشش معصومه سپهری تدوین شده است. خاطرات تلخ و شیرین قهرمان کتاب، خواننده را با خود به کوچه‌های خاطرات جبهه‌های جنگ می‌کشاند که در این میان نباید از نگارش روان و بسیار زیبا و هنرمندانه کتاب توسط خانم سپهری گذشت که سرعت بازگشت به خاطرات دیروز را بیشتر می‌سازد تا همگان را شیفته فرهنگ جبهه و جهاد کند.

دومین کتابی که توانسته جای پای خوبی در ادبیات دفاع مقدس برای خود باز کند، کتاب «پایی که جاماند» شامل ۱۹۸ خاطره از سید ناصر حسینی‌پور است که با روایتی متفاوت به ترسیم دوران اسارت در اردوگاه‌های بعثی می‌پردازد.

سید ناصر حسینی‌پور در حالی که ۱۶ سال بیشتر نداشت به عنوان راهنمای یکی از گردان‌های رزمندگان دفاع مقدس راهی جزیره مجنون شد که از ناحیه پا زخمی و سپس به اسارت نیروهای ارتش عراق درآمد و تا پایان جنگ تحمیلی به مقاومت در برابر اسارت پرداخت و زخم‌های عمیقی را به جان خرید تا امروز بتواند خواننده کتاب را با آن زخم‌ها به زیبایی تمام آشنا سازد؛ آن هم در شرایطی که خاطرات روزانه‌اش را در تکه‌های کاغذ روزنامه و پاکت سیگار می‌نوشت و همزمان با آزادی آنها را عصای خود جاسازی کرد و با خود به ایران آورد.

این کتاب از ۶ بخش تشکیل شده است:

از کلیسا به مسجد؛ از مارکسیسم به اسلام (روزنامه اطلاعات، تیر ۱۳۹۱)، روزه گارودی مغضوب صهیونیست‌ها و ارتجاع عرب (گفت‌وگو با ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۶۸۸)، پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر معیارها (ترجمه گفت‌وگوی روزه گارودی با مجله نوول ابزرواتور)، مفهوم جمهوری

اسلامی چیست؟ (مقاله‌ای از گارودی)، سید جمال الدین و انحطاط تمدن و نوگرایی اسلامی (سخنرانی گارودی در کنگره جهانی بزرگداشت سید جمال‌الدین اسدآبادی در سال ۱۳۷۵ در تهران)، یک دیدگاه درباره انقلاب اسلامی (ترجمه متن مقاله گارودی برای سمینار طرح تمدن‌های اسلامی و امام خمینی(ره) در دمشق).

استاد خسروشاهی در بخش‌های اول این کتاب به معرفی و تبیین زندگی، فعالیت‌ها و دیدگاه‌های گارودی می‌پردازد. یک نکته‌ای که کمتر درباره این شخصیت بیان شده، نگاه حمایت‌آمیز او از انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) و نگاه انتقادی شدید وی به رژیم آل‌سعود است که کمتر کسی به آن توجه کرده است و این هم از ویژگی‌های برجسته کتاب‌های خاطرات استاد خسروشاهی است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «گارودی از لحاظ اندیشه سیاسی با آل‌سعود نه تنها موافق نبود، بلکه با آن به مبارزه پرداخت. وی شجاعانه طی مقالاتی، فساد

تلاش نویسنده در این کتاب برای ثبت لحظه به لحظه و با جزئیات رخداد‌های ههه روز اسارتش، ویژگی بارز آن است که خود کاری است سخت و ناشدنی، اما حسینی‌پور با عزم بالایی، دنلوشته‌هایش را روی کاغذ منتشر کرد که حالا نام کتاب را بر سینه خود دارد، آن هم با چاپ متعدد.

رهبر فرزانه انقلاب بر کتاب «پایی که جاماند» چنین تقریظ فرموده اند:

«بسمه تعالی — تاکنون هیچ کتابی نخوانده و هیچ سخنی نشنیده‌ام که صحنه‌های اسارت مردان ما در چنگال نامردمان بعثی عراق را، آن چنان که در این کتاب است، به تصویر کشیده باشد. این یک روایت استثنایی از حوادث تکان دهنده‌ای است که از سویی صبر و پایداری و عظمت روحی جوانمردان ما را، و از سویی دیگر پستی و خباثت و قساوت نظامیان و گماشتگان صدام را، جزء به جزء و کلمه به کلمه در برابر چشم و دل خواننده می‌گذارد و او را می‌بهرت می‌کند. احساس خواننده از یک سو شگفتی و تحسین و احساس عزت است، و از سویی دیگر: غم و خشم و نفرت.»

سومین کتاب مهمی که یک لشگر دل‌بسته به دنبال خود در عرصه ادبیات دفاع مقدس دارد، کتاب «لشگر خوبان» از خاطرات مهدیقلی رضایی است که حاوی نکات ارزشمندی از لحظه لحظه‌های ایثار رزمندگان دوران جنگ تحمیلی است.

رهبر انقلاب پس از مطالعه این کتاب، در حاشیه یکی از دیدارهای‌شان فرمودند: «این کتاب «لشکر خوبان» پر است از اعجاب و عظمت ناگفته رزمندگان غواص و اطلاعات عملیات جنگ. در ایامی که این کتاب را می‌خواندم، بارها و بارها متأثر شدم.»

این کتاب که مربوط به خاطرات مهدیقلی رضایی از رزمندگان استان آذربایجان شرقی است، توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است و حاصل گفتگوی طولانی فرج قلی‌زاده با مهدیقلی رضایی است که بخشی از آن به قلم معصومه سپهری بازنویسی، تدوین و در قالب کتاب منتشر شده است.

مهدیقلی رضایی در این کتاب، خاطرات خود را از عملیات‌های فتح المبین، مسلم بن عقیل، نصر و عملیات‌های دیگر بازگو می‌کند.

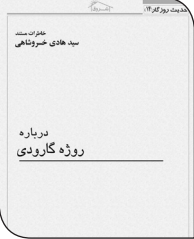
خواننده می‌تواند در کنار راه جستن به ژرفای روابط انسانی، به ارزیابی مواجهه مردان رزمنده با خاطرات و حادثه‌ها بپردازد و در کنار آن، بخشی از ناگفته‌های جنگ را از زبان یک نیروی اطلاعاتی مرور کند.

خاطرات مستند استاد خسروشاهی درباره روزه گارودی

و تباهی درباره آل‌سعود را افشا کرد. او در فاجعه قتل‌عام مسلمانان ایرانی در تظاهرات «برائت از مشرکین» در مکه مکرمه توسط مزدوران و دژخیمان سعودی به افشاکری پرداخت و اقدام وحشیانه آنان را تقبیح نمود و مقالات او در این زمینه در مطبوعات اروپایی منتشر گردید. او در مورد دعوت شاه فهد از نیروهای آمریکایی و سپس حمله متجاوزین آمریکایی به عراق، به شدت این عمل آل‌سعود را تقبیح نمود و حتی فهد را فردی نامسلمان نامید و اقدام او را نوعی «روسی‌گری سیاسی» خواند.» (ص ۳۱)

از روزه گارودی ده‌ها کتاب و صدها مقاله در زمینه‌های مختلف به یادگار مانده است که بعضی از آنها در سال‌های اخیر به فارسی ترجمه شده‌اند: «آمریکا سردمدار انحطاط»، «در شناخت هگل»، «رقص زندگی»، «زنان چگونه به قدرت می‌رسند؟»، «آمریکاستیزی چرا؟»، «هشدار به زندگان»، «محاکمه آزادی»، «پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی»، «محاکمه صهیونیسم اسرائیل»، «عظمت و شکست مسلمانان»، «حق پاسخگویی»، «وعده‌های اسلام» و «اسلام دین آینده جهان» و ...

چاپ اول این کتاب در ۱۱۴ صفحه، قطع رقی، تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۹۰۰ تومان از سوی انتشارات کلبه شروق (وابسته به مرکز بررسی‌های اسلامی) به جامعه علمی و فرهنگی عرضه شده است.



ادبیات مقاومت ... ادبیات حماسه ... ادبیات دفاع مقدس ... ادبیات جبهه و جنگ ... اگر تمام اینها را بخواهیم در یک جا جمع کنیم؛ آنچه که خلق می‌شود، نام کتاب‌های «پایی که جا ماند»، «نورالدین پسر ایران» و «لشگر خوبان» و... را خواهد گرفت.

کتاب «نورالدین پسر ایران» از چاپ پنجاه و پنجم هم عبور کرد. داستان «پایی که جا ماند» پنجاهمین چاپ خود را پشت سر گذاشت و حالا نوبت کتاب «لشگر خوبان» شده است تا همچون حماسه‌های شکوهمند سالهای دفاع مقدس، در جبهه ادبیات بدرخشد.

درخششی که عامل آن بیان واقعیت‌های تازه از دوران سالهای جبهه و جنگ است تا خوانندگان بسیاری را به سوی ادبیات مقاومت بکشاند و پنجره‌ای تازه به روی دوستداران این نوع داستان‌ها بگشاید...

درخشش این نوع ادبیات، نه به خاطر شخص نویسنده - هرچند که خود نیز جزئی از کل است - بلکه برای بیان حقایق ظریف فضای معنوی جبهه‌هاست تا خواننده را صادقانه با خود به دیروزهایی ببرد که سرشار از عطر ایثار و مقاومت است. اولین کسانی که وارد گود شدند و تدوین کتاب خاطرات را دنبال کردند، از دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی بودند.

هنوز در دوران جنگ بودیم ولی «مرتضی سرهنگی» و «هدایت‌الله بهبودی»، جمعی از نویسندگان را دور هم گردآوردند و کار آنها از یک کانکس کنار نگهبانی حوزه هنری برای ثبت خاطرات رزمندگان آغاز شد... و امروز ادبیات دفاع مقدس چون اقیانوسی لبریز از کتاب‌های مربوط به حماسه سازان دفاع مقدس است تا چراغ خاطرات روزهای جبهه و جنگ همچنان زنده بماند...

استقبال گسترده مشتاقان ادبیات دفاع مقدس از کتاب‌های حماسه سازان جبهه‌های جنگ، در ایام برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، فرصتی شد برای مروری کوتاه بر ۳ کتاب تأثیرگذار بر بازار نشر ادبیات دفاع مقدس. این سه اثر، مزین به سخنان رهبر فرزانه انقلاب هم هستند که خود نشان از توجه والای رهبر فرهنگدوست کشورمان به ادبیات دفاع مقدس دارد.

دست‌نوشته حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر حاشیه کتاب «نورالدین پسر ایران»:

«بسم الله الرحمن الرحيم — این نیز یکی از زیباترین نقاشی‌های صفحه‌پرگار و اعجاز گونه هشت سال دفاع مقدس است. هم راوی و هم نویسنده حقاً در هنرمندی، سنگ تمام گذاشته‌اند. آمیختگی این خاطرات به طنز و شیرین‌زبانی که از قریحه ذاتی راوی برخاسته و با هنرمندی

چهاردهمین دفتر «حدیث روزگاران با عنوان «خاطرات مستند استاد سید هادی خسروشاهی درباره روزه گارودی» از سوی انتشارات کلبه شروق قم منتشر شد.

روزه گارودی (Rogeh garudy)، اندیشمند و فیلسوف مبارز فرانسوی، پس از ۹۶ سال زندگی همراه با تلاش و مبارزه و فعالیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، در ۲۴ خرداد ۱۳۹۱ در محل زندگی خود در پاریس درگذشت، ولی در واکنش به این خبر، روشنفکران و اندیشمندان غربی و رسانه‌های غربی هم به بزرگداشت او نپرداختند و موضوع با بایکوت خبری عجیبی مواجه شد.

روزه گارودی که در روزگاری عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه - از احزاب قوی چپ در اروپا - و ایدئولوگ معروف حزب و عضو مجلس سناي آن کشور بود، یک شخصیت جهانی بود که اسلام‌گرایی و موضع انسانی او در قبال مسأله فلسطین و تشکیک تاریخی و مستندل در افسانه هولوکاست در کتاب معروف «افسانه‌های بینانگذار سیاست اسرائیل»، او، علت سکوت غرب در قبال درگذشت وی شد. استاد خسروشاهی در ادامه انتشار خاطرات مستند خود و برای شکستن سکوت خبری و شناساندن بیشتر این شخصیت برجسته مسلمان، با مراجعه به یادداشت‌ها و مقالات خویش، به ذکر خاطراتی از چند دیدار با وی در الجزایر، فرانسه و ایران پرداخت که برخی از آنها پس از درگذشت وی و برخی هم از هفته‌نامه بعثت (نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی قم) در سال ۱۳۵۸ به چاپ رسیده است.